



اجمیلادزین مقدس - (ارمنستان)

مقدیمترین کلیسای پا بر جای جهان

## تجلی حضور

هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با عظمت و شکوه وصف نآشدنی برگزار گردید. عظمتی که بیانگر حضور و مشارکت مردم در ترسیم آینده سیاسی کشور و انتخاب چهره اصلی بود که می بایست ریاست قوه مجریه را برای چهار سال آینده در دست می گرفت.

حضور ۱۰ نامزد با نقطه نظرات و دیدگاههای مختلف و رقابت بین آنها، باعث پدیدار گشتن شور و شوق و فضای سیاسی نوینی گشت که مردم چهار سال پیش آن را در دوم خرداد ۷۶ تجربه کرده بودند.

گرچه هر انتخاباتی صحنه رقابت است و برنده ای دارد اما همانطوری که برنده اصلی آن مردم می باشند، طبیعتاً بازندگان اصلی آن نیز نه رقبای انتخاباتی بلکه دشمنان این مرز و بوم می باشند. مهم حضور و مشارکت مردم در این رویداد تاریخی بود، تا بدین ترتیب، بار دیگر اراده مصمم ملت در دفاع از ارزشهای ملی و انقلابی به نمایش گذاشته شود.

آری انتخابات به پایان رسید و آقای خاتمی بار دیگر با آرای به مراتب بالاتر به سمت ریاست جمهوری انتخاب گردید. اما تا رسیدن به جامعه ای ایده آل راه پر فراز و نشیبی پیش روی ماست. راهی که مطمئناً با تلاش و همکاری و وحدت همه ایرانیان جدای از تعلقات مذهبی و دینی و با به خدمت گرفتن همه توان مادی و معنوی خدادادی این سرزمین پهناور هموار خواهد گردید.

این پیروزی را به رهبر انقلاب، ملت انقلابی ایران و رئیس جمهور محبوب تبریک می گوئیم و از درگاه خداوند منان برای همه دولتمردان آرزوی موفقیت و توفیق داریم.



«رئیس جمهور همانطور که افتخار می کند خدمتگزار افراد مسلمان و شیعه است، افتخار می کند که خدمتگزار همه کسانی است که زیر سقف آبی و شکوهمند این سرزمین بزرگ زندگی می کنند و دل بسته عظمت و خواستار سرافرازی آن هستند».

سید محمد خاتمی

## حضور در انتخابات وظیفه ای ملی است

انتخابات ریاست جمهوری یکی از مهمترین انتخابات در کشور است و حضور در آن وظیفه ای ملی است چرا که در نتیجه آن باید سکان کشتی قوه مجریه را به دست مردی سپرد که شجاعانه در مقابل تلاطم امواج ایستاده و آنرا به سواحل آرام هدایت کند. بیایید تا با هم در روز هجدهم خرداد ماه با حضور در مراکز اخذ رای ضمن آفرینش حرکتی حماسی در ترسیم آینده کشور مشارکت فعال داشته باشیم.

حضور در انتخابات وظیفه ای است میهنی و حضور آگاهانه و انتخابی اصلح یعنی اهمیت دادن به سرنوشت خود و آینده کشور. انجمن مردمی ارامنه تهران از تمامی اعضاء هم کیشان و هم وطنان خود می خواهد تا ضمن حضور آگاهانه در هشتمین انتخابات ریاست جمهوری به کاندیدای مورد نظر خود رای دهند.

۱۶ خرداد ۱۳۸۰

هیئت مدیره انجمن مردمی ارامنه تهران

(۶)

اهمد نوری زاده

## نخستین مورخان ارمنی

قازار پاریه تسی



ها» منبع بسیار معتبر و غنی به شمار می رود. آثار گوریون، آگاتانگوس، پاستوس بیوزاند و روایت های تاریخی شفاهی و مشاهدات شخصی مورخ منابع اصلی برای تالیف کتاب «تاریخ ارمنیان» قازار پاریه تسی بوده اند. برخی پژوهشگران ارمنی آثار موسس خورناتسی و یقیشه را نیز جزو منابع پاریه تسی به شمار می آورند.

پاریه تسی نیز مانند یقیشه و برخی دیگر از مورخان ارمنی، اثر تاریخی خود را با بیان و تصاویر هنری به رشته تحریر در آورده است. او به مثابه یک نویسنده آگاه خود را در برابر اثرش مسؤول می داند و برای آنکه اثر کاملی تالیف کند، برخی قواعد را با وسواس زاید الوصفی رعایت می کند. مورخ در پیشگفتار کتاب خود به برخی از قواعدی که در نگارش کتاب از آن ها تبعیت کرده است، اشاره می کند و به بیان این مطلب می پردازد که یک مولف برای آنکه اثرش از سوی خوانندگان مورد استقبال قرار گیرد، چه باید بکند. قازار پاریه تسی در کتاب تاریخ خود اطلاعات جغرافیایی سودمند بسیاری درباره دشت آرارات و ولایت آرارات به دست می دهد. به گونه ای که خواننده با مطالعه اثر وی علاوه بر کسب اطلاعات تاریخی، نه تنها درباره جهان گیاهی و حیوانی و غنای معدنی ولایت آرارات و زیبایی شکوهمند دشت آرارات اطلاعاتی کسب می کند، بلکه همچنین با مناسبات اجتماعی و شیوه معیشتی ملت ارمنی در قرن پنجم میلادی نیز آشنا می شود.

کتاب «تاریخ ارمنیان» اثر برجسته قازار پاریه تسی علاوه بر ارزش فراوان تاریخی دارای ارزش ادبی نیز هست و مناسبات اجتماعی زمان خود را به بهترین شکل بیان می کند. مورخ شخصیت های تاریخی و اعمال آنان را با چنان استادی و چیره دستی جزء به جزء و با زبان زنده تصویر می کند که خواننده می پندارد با شخصیت های زنده معاصر رو در روست و روح و افکار و سخنان آنان را در می یابد.

مورخ در سرتاسر اثر خود برای نتیجه گیری بهتر از داستان ها و خطابه ها نیز سود جسته است و شخصیت های تاریخی را ضمن حفظ موقعیت واقعی تاریخی آن ها، به صورت پرسنازهای داستانی در آورده است که نقش ویژه ای برای آن ها در نظر گرفته شده است. مورخ با دیالوگ های همین شخصیت های تاریخی که گاه به صورت خطابه ایراد می شود، به نبرد عقیدتی - سیاسی خود به مثابه یک روحانی عالی مقام مسیحی بر ضد دین رسمی دربار ساسانی یعنی دین زرتشت جامع عمل می پوشاند.

کتاب قازار پاریه تسی با عنوان «تاریخ ارمنیان و نامه قازار پاریه تسی» تدوین شده است. «نامه» او به واهان مامیگونیان همدرس دوران نوجوانی اش در گرجستان که مرزبان ارمنستان بود و در شهر «آمید» (آمد) هنگام تبعید اختیاری مورخ نگاشته شده است در عین حال که یک اثر ادبی منثور پر مایه و ارزشمند است، از برخی جهات بسیار توجه برانگیز است و در آن کاستی ها و بی عدالتی هایی در کلیساهای ارمنی قرن پنجم میلادی حکفرما بوده است و درگیری های شدید میان جناح های طرفدار کلیسای یونانی و مخالفان آن ها و طرفداران دربار ساسانی که در زمان مسروب و ساهاک وجود داشت، سخن به میان می آید و مورخ علل ناسازگاری و دشمنی کشیش ها و مقامات کلیسای اجمیادزین با خود را که در مقام بزرگ آباء کلیسا خدمت می کرده، تشریح می کند و بار داناتماتی که به وی وارد می شده است، به تبرئه خویش می پردازد. کاستی ها و بی

تشکیل شده که مولف هر قسمت را یک مبحث نامیده است. مبحث نخست اثر با تقسیم ارمنستان به دو بخش شرقی و غربی در سال ۳۸۷ میلادی آغاز می شود و تا به انقراض پادشاهی سلسله آرشاکونی ارمنستان (۴۲۸ م) و تصویر حوادث پس از مرگ ساهاک پارتو و مسروب ماشوتوس (سال های ۴۴۰ - ۴۳۹ م) ادامه می یابد. در این مبحث مورخ درباره برخی پدیده های تاریخی از جمله زمان سلطنت برخی از شاهان آرشاکونی و سال ابداع حروف الفبای ارمنی دچار ضد و نقیض گویی می شود و توالی تاریخی حوادث را آنگونه که اتفاق افتاده اند، حفظ نمی کند. در مبحث دوم کتاب جنگ آزادیخواهان ارمنی ها بر ضد یزدگرد دوم در سال ۴۵۱ میلادی که به «جنگ وارتان ها» نیز مشهور است، شرح داده می شود. در این مبحث همچنین درباره شهادت روحانی برجسته ارمنی «قوند» و دیگر روحانیون در راه مسیحیت سخن به میان می آید. در این مبحث دوم مورخ به هنگام تشریح رویدادهای تاریخی عمیقاً از کتاب «تاریخ یقیشه» تأثیر پذیرفته، حتی گاه مطالب از لحاظ بیانی و توالی تاریخی نیز یکسان هستند در واقع مورخ در این مبحث به گونه ای نوشته های یقیشه را به صورت کامل تر بازنویسی می کند و چیزهای بسیاری که شخصاً از بزرگان و حکام عصر شنیده است به آن می افزاید و شخصیت های خاندان مامیگونیان را برجسته می کند. یعنی کاری را انجام می دهد که یقیشه به دلایلی از آن خودداری کرده است و اجباری هم برای این کار نداشته است. در نوشته پاریه تسی وارتان مامیگونیان قهرمان ملی جنگ «آوارایر» به صورت رزمنده بزرگ راه مسیحیت تصویر می گردد. گذشته از این ها «یقیشه» به هنگام ریشه یابی جنگ آزادیخواهان ارمنی بر ضد دربار ساسانی استدلال ها و نتیجه گیری های منطقی تری دارد. حال آنکه پاریه تسی از این جنگ برداشتی نادرست و ساده لوحانه ارائه می کند.

مورخ در مبحث سوم کتاب خود به تشریح چگونگی دومین شورش ارمنی ها بر ضد دربار ساسانی (۴۸۲-۴۸۱ م) که با پیروزی ارمنی ها پایان می پذیرد، می پردازد و نحوه برگزیده شدن واهان مامیگونیان به مرزبانی ارمنستان را شرح می دهد و دلیری های او را می ستاید و در این کار تا حدود زیادی نیز افراط می کند. مورخ در این مبحث از همدرس و حامی خود یعنی واهان مامیگونیان مرزبان ارمنستان که در سال ۴۸۴ میلادی شورش ارمنی ها را پیروزمندانه رهبری می کند یک اسطوره می سازد. با این حال مبحث سوم کتاب دارای اهمیت تاریخی فوق العاده ای است و برای یک دوره تاریخی سی - سی و پنج ساله پس از جنگ «آوارایر» یا «جنگ وارتان

قازار پاریه تسی دیگر مورخ پر آوازه ارمنی است که در قرن پنجم میلادی می زیسته است. او در یکی از آثارش موسوم به «نامه» (کاغذ) اطلاعاتی درباره زندگی خود به دست می دهد. این مورخ شهیر ارمنی در روستای «پاریه» از توابع ولایت «آراگاتسوت» (واقع در استان «آشتاراک» ارمنستان امروز) در حدود سال های ۴۴۳-۴۴۱ میلادی به دنیا آمده است و بعد ها خود خویشتن را پاریه تسی نامیده است. او در گرجستان در خانه بدشخ «آشوشا» (پی تیاخش آشوشا) که باجناق «هامایاک» برادر وارطان مامیگونیان بود، به اتفاق یکی از شخصیت های برجسته تاریخ ارمنستان یعنی واهان مامیگونیان، به کسب علوم و فنون زمان پرداخته است. همین امر نشان می دهد که قازار پاریه تسی از نجبا و اشراف بوده است. سپس در حدود سال های ۴۶۶-۴۶۵ پس از تحصیلات مقدماتی در «تسورتا» و در آمدن به کسوت روحانیت، برای تکمیل تحصیل عالی به بیزانس می رود و در آنجا نزد دانشمند برجسته الیپات عصر، آموزش می بیند و در پهنه زبان و ادبیات و علوم کلاسیک یونان تبحر می یابد و در نیمه اول دهه هفتاد قرن پنجم به ارمنستان باز می گردد و تا سال ۴۸۴ در «شیراک» به امور دینی و کلیسایی و آموزش می پردازد.

در سال ۴۸۶ میلادی، زمانی که واهان مامیگونیان به عنوان مرزبان ارمنستان منصوب می شود و دست به سازندگی هایی می زند و از جمله کلیسای اسقف نشین «واقارشاپات» (اجمیادزین امروزی) را بازسازی می کند، پاریه تسی را از «سیونیک» نزد خود به «واقارشاپات» می آورد و به عنوان بزرگ آباء کلیسا در صومعه اجمیادزین می گمارد و او با موعظه های خود در میان مردم و ناخاراها محویت بسیار کسب می کند. اما کشیش ها و مقامات کلیسا با او از در ناسازگاری در می آیند و پاریه تسی به ناچار در سال ۴۹۰ میلادی از مقام خود استعفا می کند و به شهر «آمید» (آمد) می گریزد و از این شهر «نامه» معروف خود را در تبعید برای واهان مامیگونیان ارسال می کند و در آن تهمت هایی را که بر او می زدند، رد می کند و به تبرئه خود می پردازد. واهان مامیگونیان مرزبان ارمنستان در سال ۴۹۲ میلادی او را نزد خود دعوت می کند و به وی پیشنهاد می کند کتابی درباره تاریخ ارمنیان بنویسد.

بدینگونه قازار پاریه تسی در سال ۴۹۳ میلادی دست به کار نگاشتن کتاب خود با نام «تاریخ ارمنیان» می شود و پس از ۳ الی ۵ سال، در پایان قرن پنجم میلادی اثر خود را به پایان می برد و در پایان همین قرن یا سال های آغازین قرن ششم میلادی بدرود حیات می گوید.

کتاب «تاریخ ارمنیان» قازار پاریه تسی از سه قسمت

## «آمالیا» به بازار آمد



احمد نوری زاده شاعر و مترجم نام آشنای معاصر به تازگی کتاب جدیدی را با نام «آمالیا» روانه بازار کتاب کرده است. این کتاب توسط نشر آبی با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است

«آمالیا» که یک رمان کلاسیک از ناردوس نویسنده نامدار ارمنی می باشد دوازدهمین کتابی است که احمد نوری زاده به خواننده فارسی زبان عرضه می کند. احمد نوری زاده که به مثابه شاعر، مترجم و بنیانگذار ارمنی شناسی فارسی در عرصه ادبیات چهره ئی کاملاً شناخته شده است، در سال میلادی گذشته به پاس ۳۰ سال تلاش بی وقفه در زمینه شناساندن ادبیات و فرهنگ کهنسال ارمنی به فارسی زبانان جایزه معتبر و جهانی «گاریس پایازیان» را به خود اختصاص داد و برنده این جایزه جهانی در سال ۲۰۰۰ میلادی شناخته شد. او پیش از این کتاب های ارزنده ئی چون «صد سال شعر ارمنی» که به معرفی نمونه های شعری بیش از هفتاد شاعر برجسته ارمنی زبان اختصاص یافته است و «باغ سیب، باران و چند داستان دیگر» را که در برگیرنده آثار مشهور ۱۵ نویسنده سرشناس ارمنی زبان است به خواننده فارسی زبان عرضه کرده بود.

احمد نوری زاده در سال ۱۳۷۶ اثر پژوهشی خود را با عنوان «تاریخ و فرهنگ ارمنستان» منتشر کرد که خواننده فارسی زبان با مطالعه آن می تواند با گوشه هایی از تاریخ ارمنستان و برخی جنبه های فرهنگ ارمنی آشنا شود.

احمد نوری زاده که به دو زبان فارسی و ارمنی شعر می سراید زمستان سال گذشته مجموعه اشعار ارمنی خود را با عنوان «سلام بر شما ارمنی ها» منتشر کرد که با استقبال گرم و تحسین خوانندگان ارمنی زبان در ایران و دیگر کشورها مواجه شد.

این شاعر و مترجم نام آشنا در تماس با ماهنامه آراکس خبر داد که سرگرم بررسی دوباره ادبیات منظوم ارمنی است تا این بار شعر های عاشقانه شاعران سرشناس ارمنی را برگزیند و پس از ترجمه، آثار هر شاعری را در یک مجموعه مجزا با عنوان مسلسل «عاشقانه های ارمنی» به خوانندگان فارسی زبان عرضه کند.

ماهنامه آراکس که از آغاز انتشار خود پیوسته ترجمه ها و مقالات این شاعر، مترجم و پژوهشگر معاصر را در صفحات خود انعکاس داده است برای تلاش های ادبی و فرهنگی احمد نوری زاده ارزش بسیار قابل است و بر این باور است که فعالیت های بسیار ابعاد فرهنگی این متفکر ایرانی گام هایی در راستای تحکیم هر چه بیشتر دوستی و برادری ملل ایران و ارمنستان است و آن را باید در زمینه گفتگوی تمدن ها و ژرفش دوستی هزاران ساله ارمنیان و ایرانیان مثبت ارزیابی کرد.

عدالتی هایی که قازار پاریه تسی به کلیسای ارمنی قرن پنجم میلادی نسبت می دهد، از بسیاری جهات همان است که در سده های بعد نویسندگان دوران رنسانس اروپا با جزئیات بیشتر و عریان تر به کلیسای کاتولیک و ارتدکس اروپا نسبت دادند.

به رغم تفاوت های عمده، خطوط مشابه بسیاری در آثار تاریخی قازار پاریه تسی و یقیشه وجود دارد. قازار پاریه تسی آخرین مورخ ارمنی قرن پنجم میلادی است. کتاب «تاریخ ارمنیان» او اگر چه دارای زبانی زنده و تصویری است اما مؤلف گاه دچار سردرگمی ها می شود و ناچار اجازه می دهد مطالب تکراری و اضافی وارد اثرش شود.

گفته می شود که قازار پاریه تسی در نزدیکی یک کلیسای قدیمی و مخروبه در جنوب روستای «لازرویوان» در بخش علیای دره «پاری» به خاک سپرده شده است. بر پایه یک روایت سنتی دیگر او در صومعه موسوم به «قازارو» یا «آراکلتوس» شهر «موش» مدفون است.

## حریم ها و ارزشها را پاس داریم

روزنامه وزین ایران در شماره ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ خود مقاله ای را به قلم آقای ژرژ آبراهامیان با تیتراژ «آقای احمد نوری زاده در پی چیست؟» به چاپ رساند. در نگاه اول (البته اگر از تیتراژ بگذریم) ممکن است چنین استنباط شود که نگارنده مقاله در چارچوب اصولی پذیرفته شده و منطقی یک نقد ادبی سعی کرده تا از دیدگاه خود فعالیت های ادبی آقای احمد نوری زاده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، مسئله ای که مطمئناً می تواند به شکوفائی هر چه بیشتر تلاشگران عرصه ادبیات و در این مورد خاص فعالیت های ادبی آقای احمد نوری زاده منجر گردد.

نوری زاده بیش از سه دهه است که د زمینه معرفی ادبیات ارمنی به همه فارسی زبانان جهان همت گماشته است. متأسفانه آقای آبراهامیان به دور از یک نقد بی غرضانه و صادقانه زحمات آقای نوری زاده در عرصه ارمنی شناسی فارسی را به یک باره به هیچ انگاشته و خدمات سالیان دراز ایشان را به فراموشی می سپارد.

بر این باوریم که در عرصه ادبیات و به ویژه عرصه ترجمه که امروزه از آن به عنوان «علم ترجمه» نام برده می شود و کاری بس دشوار و طاقت فرساست، علیرغم همه تلاشها و فیرگی مترجم باز نقصان هایی به چشم خواهد خورد. ما بر آن نیستیم که ترجمه های آقای نوری زاده صددرصد بی کم و کاست است، و مطمئناً خود ایشان نیز بر این عقیده نیستند، چرا که اصولاً بعید است در جهان ادبیات بتوان ترجمه بی نقصی را سراغ کرد. اما این موضوع به هیچ وجه نمی تواند دلیلی برای زیر پا گذاشتن خدمات ارزنده ایشان باشد. فدماتی که تا کنون از سوی کمتر شفص غیر ارمنی در ایران صورت گرفته است.

ما با این مقاله به هیچ وجه مایل به نقد مصاصبه آقای نوری زاده با روزنامه ایران و یا مقاله آقای آبراهامیان نیستیم، سخن اصلی ما حفظ متانت و ارج نهادن به زحمات آقای نوری زاده و ضرورت نقد و بررسی نوشته ها، ترجمه ها و مصاصبه های ایشان در یک چارچوب اصولی می باشد. اگر آقای آبراهامیان مخالف گفته ها و نظرات آقای نوری زاده بودند چه فوب و بیا بود که لااقل اشاره ای هم به عملکرد مثبت و فعالیت ارزنده وی در زمینه ارمنی شناسی و زحمات ایشان در شناساندن ادبیات ارمنی به فارسی زبانان می نمودند.

انتقاد، تجزیه و تحلیل و نقد لازمه تکامل است خصوصاً در عرصه ادبیات با وجود همه ظرافتها و نکته سنجیهای خاص مربوط به آن. اما انتقاد مورد نظر ما انتقادی سازنده است با حفظ همه جوانب. مطمئناً آقای نوری زاده، و نیز همه شاعران و نویسندگان ارمنی و غیر ارمنی، از اینکه آثار و دیدگاههای آنان مورد کنکاش قرار گیرد بسیار مسرور خواهند شد، لیکن با حفظ حرمتها و ارزشها. آقای نوری زاده به عنوان یک روشنفکر غیر ارمنی در تلاشند تا شعر و ادبیات ارمنی را به فارسی زبانان بشناسانند. تلاشی که برای ما ارامنه ارزشمند بوده و جای سپاس دارد. اما شق دیگر عملکرد ایشان دیدگاهها و شناخت های ایشان از ادبیات ارمنی است که طبیعتاً می تواند برداشت خاص شفص ایشان باشد. جدای از این برداشت و نیز اینکه آقای نوری زاده اصولاً ادبیات گذشته و حال ارمنی را چگونه ارزیابی می کنند، ما نظر ایشان را به دیده احترام می نگریم، نظری که با لطبع به مرور زمان کاملتر و وسیعتر خواهد گردید. اما مخالفت با دیدگاه آقای نوری زاده نمی تواند دلیلی برای نفی کردن فعالیت های ارزشمند ایشان باشد حتی اگر این تلاش سرودن شعر به زبان ارمنی باشد. بیان احساسات و دیدگاههای یک روشنفکر و مترجم غیر ارمنی در قالب شعر ارمنی برای ما ارامنه قابل ستایش است، حتی اگر با کاستی هایی همراه باشد. چرا که این کاستی های ناگزیر نمی تواند دلیلی برای نفی هر آنچه که آقای نوری زاده در راستای خدمت به عرصه ارمنی شناسی فارسی نموده و خواهد نمود باشد.

در پایان امیدواریم همه روشنفکران و صامد نظران ارمنی و غیر ارمنی در نقد و بررسی آثار ادبی و هنری، اصول بمت و انتقاد سازنده را رعایت کرده و همواره مریع ها و ارزشها را حفظ نمایند

# نگاهی به پان ترکیسم معاصر

هراچ استپانیان

**ناتوی جدید جهت  
نفوذ در قفقاز و  
آسیای مرکزی  
می خواهد از  
پان ترکیسم همچون  
ابزاری ایدئولوژیک  
استفاده کند.**

**دو سال پیش از  
انحلال شوروی،  
ارجمند کنو کمان یکی از  
وزیران دولت ترکیه  
اعلام می کرد:  
«به زودی دولت های  
متعددی با پرچم ترک  
در شوروی و چین  
تاسیس خواهند شد.  
قرن بیست و یکم برای  
ترکیسم قرن پر موفقیتی  
خواهد بود».**

امروز نشانه ای فراوانی حاکی از فعال شدن مجدد پان ترکیست ها به چشم می خورد. سیاستگرانی سعی دارند با نشان دادن دور نماهای پان ترکیستی توده های ترک زبان را به مسیرهای مشخصی سوق دهند، یا مسایل تازه ای در منطقه مطرح سازند. اما پان ترکیست ها و حامیان بین المللی آنها تا چه حد می توانند به آینده پان ترکیسم امیدوار بوده و روی آن حساب کنند؟ در دوره جنگ سرد بیشترین امید غربیها در این خصوص، همانا در گیر شدن شوروی در کشمکشهای داخلی و خارجی بود. سرهنگ هاسلر آمریکایی در سال ۱۹۵۷ در کتاب «ترکیسم و شوروی ها»، اظهار نظر می کرد که «در صورت وقوع جنگ جهانی سوم یا تشدید جنگ سرد یا بروز کشمکش های داخلی که به تضعیف قدرت شوروی انجامد، ناسیونالیسم ترکی (به ویژه نوع پان ترکیستی ناسیونالیسم ترکی) تاثیر خود را در سیاستهای جمهوری ترکیه و حرکت های ملل ترک زبان شوروی... بروز خواهد داد» (۳).

پیش بینی هاسلر به تحقق پیوست. گر چه امروز هر یک از اقوام و ملل ترک زبان شوروی پیشین ناسیونالیسم محلی خود را دارد، ولی بین محافل از آنان تماسهایی جهت اتحاد سیاسی انجام گرفته است. در همایش آلما آتا که به همین منظور در تاریخ ۲۰-۱۸ دسامبر ۱۹۹۱، یعنی در آستانه فروپاشی اتحاد شوروی، با شرکت نمایندگان از ملل ترک زبان آن کشور تشکیل گردید، درباره ضرورت و امکانات ایجاد یک دولت متحد ترکی، یا «توران»، بحث و تبادل نظر شد. نمایندگان پیشنهاد دادند که سرزمین های ترک نشین شوروی از لحاظ اداری به مناطق قزاقستان، آسیای میانه، کرانه دریای سیاه، قفقاز، اورال، یاکوتیا و جنوب سیبری تقسیم بندی گردند، یک شورای موقت هماهنگ کننده ارتباط بین این مناطق را به عهده گیرد. ضمناً تصمیماتی جهت به کارگیری الفبای لاتین واحد برای همه ترک زبانان شوروی اتخاذ شد (۴).

فروپاشی شوروی بیش از همه حکومتگران ترکیه را ذوق زده نمود. دو سال پیش از انحلال

پان ترکیسم مرام و مسلکی است که هدفش وحدت سیاسی ترک زبانان است. در زبان شناسی اصطلاح «ترک زبان» به اقوام و ملل گوناگونی اطلاق می شود که به زبانها و گویشهای مختلف «گروه زبان های ترکی» (۱)، مثل ترکی استانبولی، ترکی آذری، ترکمنی، ازبکی، تاتاری و غیره سخن می گویند. حدود سی ملت و قوم ترک زبان در گستره ای که از بالکان تا چین و سیبری وسعت دارد زندگی می کنند. پان ترکیست ها می خواهند تمام یا بخشی از این اقوام و ملل را زیر یک پرچم ترک متحد سازند.

از اشاعه اندیشه های پان ترکیستی حدود یک قرن می گذرد. در سال های جنگ جهانی اول پان ترکیست ها در اوج قدرت بودند. در آن سال ها رهبران ترکیه عثمانی، به منظور وحدت بخشیدن به اقوام و سرزمین های ترک زبان و ایجاد «ترکیه بزرگ» یا «توران»، اقدام به لشکر کشی به سوی شرق (قفقاز و ایران) نمودند، اما این حرکت سرانجام به شکست و اضمحلال امپراتوری عثمانی انجامید. پان ترکیست ها سپس دست به تلاش های بی نتیجه دیگری در قلمرو حکومت نو بنیاد شوروی ها زدند. پس از این ناکامی ها ایدئولوژی پان ترکیسم تا حدی اعتبار خود را از دست داد و تقریباً به مدت دو دهه حیات نیمه آشکاری را گذراند. در این دوره پان ترکیست ها بیشتر در انتظار فروپاشی اتحاد شوروی و آزاد شدن سرزمین های ترک نشین آن بودند. فتوحات اولیه مشعشع هتلر در شوروی، پان ترکیست ها را سخت به جنب و جوش آورد و باعث فوران تمایلات نهفته پان ترکیستی در ترکیه گردید. در سالهای جنگ سرد حرکت های پان ترکیستی نوینی در ترکیه، هماهنگ با سیاست ضد کمونیستی غرب، شکل گرفت. در آن دوره نیمی از ترک زبانان جهان در کشورهای کمونیستی زندگی می کردند و در مراکز سیاست گذاری غرب نظر بر این بود که مطرح شدن پان ترکیسم می تواند در مناطق ترک نشین جهان کمونیست احساسات قومی را تحریک نموده ناآرامی هایی برانگیزد. در پی فروپاشی شوروی فعالیت های پان ترکیستی در ترکیه، و نیز در جمهوری های ترک زبان نو استقلال بویژه آذربایجان، شدت یافته است. در انتخابات پارلمانی اخیر ترکیه حزب پان ترکیست «حرکت ملی» جایگاه دوم را به دست آورده و در دولت ائتلافی شرکت نموده است. ضمناً برخی قدرت های خارجی هم پان ترکیسم را مورد تشویق قرار می دهند، ناتوی جدید جهت نفوذ در قفقاز و آسیای مرکزی می خواهد از پان ترکیسم همچون ابزاری ایدئولوژیک استفاده کند (۲). البته با توجه به موانع جغرافیایی و مسایل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره، زمینه چندان مساعدی برای تحقق پان ترکیسم وجود ندارد، اما به هر حال امروز نیز همچون گذشته، اوچگیری تبلیغات و حرکت های پان ترکیستی می تواند در روند رویداد های سیاسی موثر واقع شود. با توجه به اینکه ارمنه و ارمنستان از نظر پان ترکیستها مانعی بر سر راه به هم پیوستن ترکیه و مناطق ترک زبان شرق به شمار می آیند، یکی از مشخصات پان ترکیسم، از بدو پیدایش تاکنون، جنبه ضد ارمنی آن بوده است. این به نوبه خود در جهان بینی سیاسی ارمنیان تاثیر گذارده است، به طوری که برای شناخت موضعگیری سیاسی فعلی ارمنیان آشنا بی مقدماتی با پان ترکیسم ضرورت دارد.

\*\*\*

مشترک دنیای جدید، موجب تولد جهان نوین ترک خواهد شد (۱۴)».

در چنین زمینه‌ای ترکیه در سال‌های اخیر حرکت تازه‌ای را به سوی «توران» را آغاز نموده و آمریکا، شرکت‌های نفتی، ناتو و اسرائیل، یعنی مدافعان «ارزشهای مشترک دنیای جدید»، از این حرکت ترکیه پشتیبانی می‌کنند. البته آمریکا و شرکا در این موضع گیری لزوماً موافق برپایی یک امپراتوری نوین ترکی نیستند، بلکه بیشتر اهداف استراتژیک خود را مد نظر دارند که عبارتند از: جدا کردن جمهوری‌های نو

استقلال از روسیه، وابسته کردن این جمهوری‌ها به غرب از طریق ترکیه، گسترش حیطه نفوذ غرب تا پشت مرزهای چین، کنترل حرکت‌های مستقل در منطقه، جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه و غیره. در خود ترکیه نیز ممکن است از حرکت جدید به سوی «توران» مقاصد متفاوتی در نظر باشد. مسلماً برای محافل حاکمه ترکیه چشمداشت‌های اقتصادی (امکان سرمایه‌گذاری، استفاده از منابع و مواد خام جمهوری‌های نو استقلال، بازاریابی برای کالاهای ترکیه و غیره) در اولویت است. برای بسیاری از مقامات ترکیه مانورهای این کشور در جمهوری‌های شوروی پیشین می‌تواند نوعی به رخ کشیدن اهمیت ترکیه باشد. دمیرل در این خصوص گفت:

«اکنون همه جهانیان ناگزیرند ترکیه را جدی بگیرند (۱۵)». اوزال نیز اظهار داشت که «ترکیه امروز به عنوان یک کشور بزرگ در منطقه مطرح است و قرن بیست و یکم قرن ترکها خواهد بود» (۱۶). البته عده‌ای نیز خواهان ایجاد ترکیه بزرگ یا «توران» و سیراب کردن عطش پان‌ترکیستی خود خواهند بود. باری، همزمان با فروپاشی شوروی، ترکیه دست به کار شد و با برنامه‌های گسترده‌ای از قبیل سرمایه‌گذاری، خرید فروشگاه‌ها و هتل‌ها و تاسیس بانک‌ها مشغول توسعه سرمایه‌داری غرب در مناطق ترک نشین نو استقلال‌یاب، به قول دمیرل، مشغول دفاع از سیستم دموکراسی و اقتصاد آزاد گردید (۱۷). غرب هم درباره نقش پیشرو ترکیه قلم‌فرسائی کرده و تکیه زیادی بر زبان و فرهنگ و ریشه‌های مشترک ترکیه و جمهوری‌های نو استقلال‌یاب (۱۸) هم آهنگ با این تبلیغات، ترکیه فعالیت فرهنگی وسیعی را در این جمهوری‌ها آغاز نمود. ارسال انتشارات و اعزام معلمین برای ترویج زبان ترکی در مناطق ترک نشین شوروی سابق، کوشش جهت به کارگیری الفبای لاتین در این مناطق، اعطای هزاران بورس دانشگاهی به ترک‌زبانان خارج برای تحصیل در ترکیه و مهمتر از همه پخش گسترده برنامه‌های رنگارنگ تلویزیونی در پهنه سرزمینهای «تورانی» از جمله این فعالیتها بود.

مقامات ترک پخش برنامه‌های تلویزیونی را «پایه و شالوده یک سیستم مشترک المنافع» دانسته و به آن اهمیت بسزایی می‌دادند (۱۹). دمیرل در آستانه راه

## دمیرل، نخست وزیر وقت ترکیه، استقلال جمهوری‌های ترک نشین شوروی را «تحقق رویای یکصد ساله» ترکیه نامید، وی معتقد بود که دنیای ترک از سواحل آدریاتیک تا مرز چین فرصت اتحاد را به دست آورده است و ترکیه باید در این گستره جغرافیایی مسئولیتهایی به عهده گیرد

## ارامنه و ارمنستان از نظر پان ترکیست‌ها مانعی بر سر راه به هم پیوستن ترکیه و مناطق ترک زبان شرق به شمار می‌آیند

آید (۱۱).

در این میان حکومتگران ترکیه، ضمن سیر در عوالم «رویای یکصد ساله»، اشتیاق فراوان داشتند تا با استفاده از فرصت طلایی هر چه زودتر وارد میدان شوند؛ به ویژه اینکه غرب در ازای همکاری ترکیه، چشم انداز تبدیل شدن سریع به یک ابر قدرت منطقه‌ای را به این کشور نشان می‌داد (۱۲). اوزال، رئیس جمهوری وقت ترکیه، لابد با نگاهی به همین چشم انداز بود که می‌گفت: «امروز هدف ترکیه این است که در عرض پنج سال در ردیف کشورهای طراز اول به شمار آید (۱۳)». و دمیرل مسیر استراتژی مشترک ترکیه و غرب را چنین ترسیم می‌کرد: «همکاری ترکیه با جمهوری‌های آسیای میانه در زمینه ارزشهای

شوروی، ارجمند کنوگمان یکی از وزیران دولت ترکیه اعلام می‌کرد: «به زودی دولت‌های متعددی با پرچم ترک در شوروی و چین تاسیس خواهند شد. قرن بیست و یکم برای ترکیسم قرن پر موفقیتی خواهد بود (۵)». با همین دیدگاه در ترکیه همایش‌هایی به منظور هدفمند کردن حرکت‌های ملل ترک زبان خارج برپا شده است. در سمیناری که در سال ۱۹۹۰ جهت بررسی «ایجاد آذربایجان بزرگ» در قیصریه ترتیب یافته بود، همان کنوگمان نیز حضور یافته و ضمن تمجید از پان‌ترکیسم اظهار داشت: «باید ترکیه‌ای قوی و دائماً قوی‌شونده وجود داشته باشد تا بتواند به عنوان تنها ضامن امنیت دنیای ترک عمل نماید (۶)». سمینار دیگری همان سال باز در خصوص آذربایجان از سوی «انجمن بین‌المللی آذری‌ها» و با شرکت مقامات ترکیه در استانبول برگزار شد. در این سمینار سخن‌رانان انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب ملی گرایانه از سوی فارس‌ها معرفی کردند و یکی از نمایندگان مجلس آرزو کرد تا نهضتی مشابه آنچه در آذربایجان شوروی جریان دارد، در آذربایجان ایران نیز به وجود آید. در سمینار گرچه از آذربایجان شوروی هم انتقاداتی به عمل آمد، اما به هر حال از پارلمان آن جمهوری خواسته شد تا با قبول تابعیت کلیه آذری‌های ایران آنان را نجات دهد (۷).

با انحلال رسمی کشور شوروی تمایلات پان‌ترکیستی مقامات ترکیه آشکارتر گردید. دمیرل، نخست وزیر وقت ترکیه، استقلال جمهوری‌های ترک نشین شوروی را «تحقق رویای یکصد ساله» ترکیه نامید (۸). به گفته او «ایجاد جمهوری‌های مستقل در شوروی افق‌های تازه‌ای برای ترکیه گشوده است... جمهوری‌های ترک نشین شوروی از ترکیه به عنوان برادر بزرگتر یاد می‌کنند (۹). وی معتقد بود که دنیای ترک از سواحل آدریاتیک تا مرز چین فرصت اتحاد را به دست آورده است و ترکیه باید در این گستره جغرافیایی مسئولیتهایی به عهده گیرد (۱۰). تشویق‌های غرب پر و بال بیشتری به ترکیه می‌داد. با وضعیت ژئوپلیتیکی تازه‌ای که در پی فروپاشی شوروی در جمهوری‌های شرقی آن کشور پدید آمده بود، قدرت‌های غربی در جستجوی واسطه‌ای بودند تا از آن طریق میان غرب و کشورهای مشرق زمین باب گفتگو را بگشایند و سوءظن موجود بین غرب و جهان اسلام را به همکاری تبدیل نمایند. ترکیه برای این واسطه‌گری کاندیدای جامع‌الشرایط بود. این کشور ضمن قرار داشتن در مشرق زمین، یک دوست ثابت غرب محسوب می‌شد. تصور بر این بود که ترکیه با داشتن سابقه اسلامی و خویشتان‌دنی‌زبانی به راحتی می‌تواند در جمهوری‌های ترک زبان و مسلمان شوروی پیشین نفوذ نماید و الگوی خوبی از یک کشور لائیک غرب‌گرا به آنان ارائه دهد. افزون بر این، ترکیه به یمن موقعیت جغرافیایی خود می‌توانست به صورت پلی مطمئن بین غرب و شرق در

## در این دوره ترکیه همچین کوشید تا با ترتیب دادن کنفرانس هایی با شرکت سران ترکیه و جمهوری های ترک زبان نو استقلال نسبت به تاسیس یک «جامعه کشورهای ترک زبان» اقدام نماید.

استفاده از این کشور به عنوان پلی برای نفوذ در جمهوری های پیشین شوروی است، برای هماهنگی کامل با ترکیه در منطقه بذل مساعی می نماید (۲۷). افزون بر این باید در نظر داشت که غرب مایل بوده است از خدمات ترکیه نه فقط در جمهوری های شوروی پیشین، بلکه برای کنترل کل منطقه استفاده کند. غربی ها امیدوار بوده اند که ترکیه بتواند همچون پیش قراول آنها در منطقه عمل نماید. این امیدواری در سخنان گراهام فولر، کارشناس آمریکایی امور خاور میانه، چنین بازگو شده است: «یک ترکیه مسئول می تواند نفوذ قدرتمند و اعتدال بخشی در منطقه به عهده گیرد (۲۸)». احتمالاً تاسیس سازمانی موسوم به «کمیته ترک های جهان» در ۷۰/۱۲/۲۲ در لندن نیز در راستای ایفای چنین مسئولیت هایی بوده است. این کمیته تحت حمایت دولت ترکیه و با شرکت نمایندگانی از ایران، قبرس، جمهوری آذربایجان، ترکیه، ترکمنستان، قزاقستان، عراق و اقلیت های ترک یونان و بلغارستان آغاز به کار کرد و اعلام شد که حوزه فعالیت آن جمهوری های ترک نشین شوروی سابق و مناطق ترک نشین بالکان، ایران و عراق را در بر خواهد گرفت (۲۹).

\*\*\*

ادامه دارد

### زیر نویس

- ۱- *Turkic group of languages*
- ۲- «استراتژی نظام سلطه بین الملل در قفقاز» (ترجمه گزارشی از نشریه «*Review Executive Intelligence*» کیهان، ۷۸/۸/۹، ص ۱۲)
- ۳- *CH.W. Hostler, Turkism and The Soviets, London, Allen and Unwin, 1957, p.13.*
- ۴- آلیک، ۹۲/۱۱/۱۲
- ۵- «*The Children of Tamerlane*», *Newsweek*, 5. 3.1990 p.17
- ۶- آلیک، ۶۹/۲/۹
- ۷- جمهوری اسلامی، ۶۹/۸/۱۷
- ۸- *Keyhan International*, 27.4.92
- ۹- سلام، ۷۰/۹/۲۷
- ۱۰- ابرار، ۷۱/۲/۹
- ۱۱- *Geoege J. Church., Great Divide, TIME, Oct. 19,1992, p.29.*
- ۱۲- *Ibid.*
- ۱۳- *Ibid., p.30*
- ۱۴- ابرار، ۷۱/۲/۱۵
- ۱۵- ابرار، ۷۱/۲/۱۵
- ۱۶- حمید صفری، «شمال عراق و خواب های ترکیه»، رسالت، ۷۱/۵/۶
- ۱۷- ابرار، ۷۱/۲/۹
- ۱۸- «نقشی که غرب برای ترکیه در آسیای میانه قائل است»، اطلاعات، ۷۱/۱/۲۰
- ۱۹- «شدت یافتن فعالیت ترکیه در جمهوری مسلمان نشین آسیای میانه» (ترجمه مقاله ای از واشنگتن پست) سلام، ۷۱/۲/۲۸
- ۲۰- همان جا
- ۲۱- ابرار، ۷۱/۲/۹
- ۲۲- خبر، ۷۷/۲/۳۰
- ۲۳- سلام، ۷۱/۲/۲۹ (مقاله «شدت یافتن فعالیت ترکیه...»)
- ۲۴- ابرار، ۷۱/۲/۹
- ۲۵- «نقشی که غرب...»، اطلاعات، ۷۱/۲/۲۰
- ۲۶- کیهان، ۷۶/۱۱/۱۵
- ۲۷- کیهان، ۷۷/۴/۱۸
- ۲۸- «ترکیه بازوی غرب در جمهوری های مسلمان نشین آسیای میانه»، سلام، ۷۰/۱۰/۲۳
- ۲۹- «ترکیه در صدد دخالت در آذربایجان ایران است»، ابرار، ۷۰/۱۲/۲۴

اندازی ماهواره تلویزیونی ترکیه برای جمهوری های نو استقلال چنین گفت: «مردم این منطقه طی بیش از ۷۰ سال برده بوده اند، ولی تا دو هفته دیگر ما آنجا خواهیم بود. ما ارزش ارتباطات را می دانیم (۲۰)». ماهواره تلویزیونی ترکیه شروع به پخش برنامه هایی شامل اخبار، برنامه های فرهنگی - تبلیغاتی و برنامه های سرگرم کننده به زبان ترکی برای حدود ۵۷ میلیون نفر ساکنان شوروی سابق نمود. اما زبان ترکی ترکیه برای ملل ترک زبان آنچنان هم قابل فهم نیست. هنگامی که دمیرل در تاشکند، ازبکستان را سرزمین پدری خود می نامید و درباره هم فرهنگی و هم زبانی نطق می کرد، یک مترجم به طور هم زمان سخنان او را به ازبکی ترجمه می نمود (۲۱). (در کنفرانس هایی که بین ترکیه و جمهوری های ترک زبان شوروی پیشین برگزار می شود، زبان مذاکرات ترکی و روسی است؛ به این صورت که نمایندگان جمهوری های نو استقلال به زبان روسی سخن می رانند و گفته های آنان به ترکی ترجمه می شود (۲۲)). یکی از مسئولان برنامه ماهواره ای ترکیه، راه حل این مشکل را چنین ارائه داد: «فعلاً به مدت یک سال یا بیشتر از زیر نویس (به زبان قابل فهم برای بینندگان) استفاده می کنیم، تا موقعی که این جمهوری ها کلمات روسی و فارسی را کاملاً از زبان خود پاک کنند (۲۳)». ظاهراً رسیدن به یک زبان مشترک برای ملل ترک زبان از هدف های اصلی برنامه ماهواره ای بود. بنا به اظهار دمیرل، پخش برنامه های تلویزیونی برای جمهوری ها موجب از بین رفتن مشکلات مربوط به وجود شیوه ها و لهجه های مختلف در مکالمه بین ترک ها و دستیابی به یک زبان و فرهنگ مشترک خواهد شد (۲۴).

در این دوره ترکیه همچین کوشید تا با ترتیب دادن کنفرانس هایی با شرکت سران ترکیه و جمهوری های ترک زبان نو استقلال نسبت به تاسیس یک «جامعه کشورهای ترک زبان» اقدام نماید. اما این جامعه به علت عدم همراهی کامل سران این جمهوری ها، عمری نکرد. ضمناً باید گفت که بیشتر ترک زبانان جمهوری های نو استقلال که دهه های متمادی فرهنگ ملی خود را تکامل بخشیده اند، راضی نخواهند بود کشورشان در یک دولت «تورانی» آینده به زائده ترکیه تبدیل گردد. وانگهی بسیاری از این ترک زبانان پس از تماس نزدیک با ترکیه، از آینده ای که ممکن است زیر سایه ترکیه به دست آید، مایوس و سرخورده شده اند. در مقایسه با فقر دهکده های ترکیه و تفاوت میان شهر و روستا، جمهوری های شوروی پیشین از ترکیه عقب تر نیستند. نمایندگان ازبکستان و دیگر جمهوری های آسیای مرکزی پس از دیدن ترکیه از ضعف علمی و صنعتی و نیز عدم توان مالی آن کشور شکایت داشته اند (۲۵).

بدین سان حرکت جدید ترکیه به سوی شرق چندان موفقیت آمیز نبوده و انتظارات فراوانی را که غرب و ترکیه از این حرکت داشتند بر آورده نکرده است. روسیه هنوز در جمهوری های شوروی پیشین نفوذ دارد و شماری از کشورهای منطقه چنان که باید با غرب همکاری نمی کنند. در هر صورت چشم انداز همکاری غرب با ترکیه و پان ترکیست ها همچنان گشوده خواهد ماند، بخصوص که سیاست گذاران غربی در طرح های مشرق زمینی خود بر روی جمهوری های ترک زبان نو استقلال نیز حساب می کنند. در آن میان جمهوری های آذربایجان و ازبکستان مورد توجه خاص قرار دارند. برژینسکی، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا و مشاور فعلی شرکت های نفتی، اخیراً اظهار داشته که راه دسترسی آمریکا به دریای خزر و آسیای مرکزی همکاری با کشورهای آذربایجان و ازبکستان است (۲۶). در مورد گرایش های پان ترکیستی در جمهوری آذربایجان قبلاً اشاره داشتیم، حکومت گران ازبکستان نیز بارها از سوی تاجیک های ایرانی زبان آسیای میانه به اعمال سیاست های ترک سازی متهم شده اند. بنابراین چنانچه غرب بخواهد با دو دولت آذربایجان و ازبکستان همکاری استراتژیک داشته باشد، طبعاً باید با خواست های پان ترکیستی محافل حاکمه آن دو کشور نیز روی موافق نشان دهد. در این صورت در مراحل آینده نفوذ ناتو در مشرق زمین و مقابله او با روسیه، چین و غیره در این منطقه، افقهای تازه ای برای فعالیت پان ترکیست ها و ترکیه گشوده خواهد شد. ضمناً اسرائیل متحد استراتژیک ترکیه نیز که در صدد

## نگاه

متی می‌کوشند خود را به جهانیان عادل و دادگر عرضه بنمایند. و گویا بیدار شده از یک فوایط طولانی زمستانی، «پینوشه» این دیکتاتور معروف را در برابر «دادگاه» قرار دهند.

«آگوستو پینوشه» را همه می‌شناسند، اما «دادگاه بریتانیایی» نماینده کیست؟

آیا فنده آور نیست که بعد از گذشت ۲۵ سال از سرنگونی حکومت مردمی «سالوادور آند» بریتانیایی از همه جا بی‌فیر، آنهم به درخواست «یک دادستان اسپانیایی»، برای «پینوشه» دست به کار برپایی یک دادگاه شده است؟

آیا این داعیه را می‌باید پذیرفت، که آمریکایی‌ها «در حال بررسی پرونده‌ها و مدارکی» هستند، که ممکن است دال بر مجرمیت «پینوشه» باشد؟ آیا می‌باید مضمه، قرار گرفته و سکوت نمود. می‌باید نسل نونهال و نسلهای آینده را فریب داده و سرانجام گردن نهاد که تاریخ بشری چیزی جز یک مشت دروغ نیست؟ اگر اسپانیایی‌ها شاکس، بریتانیایی‌ها دادگر و آمریکایی‌ها دادستان هستند، پس مجرم کیست؟ مردم شیلی؟

ما گلابه‌ای از سازمان‌دهندگان و مجریان این سناریو نداریم. زیرا بفوی می‌دانیم که از ماست که بر ماست! اگر ملت‌های معروف به «جهان سوم» به خود نیایند و نشان ندهند که هنوز چیزی از تمدن کهن خود در پخته دارند، نشان ندهند که بالغ اند (اگر بالغ اند). که برای مل و فصل امور خود نیازی به وکیل و قیام ندارند... نشان ندهند که قادرند در جوار هم ایستاده و یا در کنار هم نشستند، مسایل خود را حل و فصل نمایند... آنگاه خود به دست خود، راه را برای ورود استعمارگران (و یا... دادگران معصوم و دموکرات) را برای مدافله جویی در میهنشان هموار کرده‌اند، تا شاید اینان برهم آمده و نظیر این «دادگاه» را نیز در میهن «عقب‌مانده» آنها برپا دارند.

«آگوستو پینوشه» را همه می‌شناسند، اما همایان دیروز وی، «عدالت جویان» امروزین، در صددند تا در سنین کهولت از وی قهرمانی مظلوم سافته و به همراه «پینوشه» خود را نیز تبرئه نمایند.

آیا دیگر لزومی دارد، که سؤال نمائیم چه کسی، بر مسب چه مقی، جامه «مجری قوانین بین‌المللی» بر تن نموده است؟ لزومی دارد یادآور گردیم که بمث درباره دادرسی ظلم‌های رفته بر «مردم عقب‌مانده» شیلی نبوده و صمیت از سر نوشت چند اسپانیایی (آری انسان‌هایی با «استاندارد» اروپا) است.

سرانجام، آیا اگر «سالوادور آند»، این منتخب و محبوب مردم شیلی زنده بود، فواهان آن می‌گشت که «همایان پینوشه» در نقش قیام‌ملت‌ش ظاهر گشته و دادگاهی برای ماکمه «پینوشه» تشکیل دهند؟

## «مانیفست ردیلت»



### اذعان به «مهد تمدن» بودن کشورهای صنعتی و فقدان تمدن در شرق. در غلتیدن به نوعی از اسارت و حقارت فکری و فرهنگی است.

خیانت و به عبارت دیگر هر چیزی که بتوان آن را زشتی و پلیدی نامید را به صورت ارزش معرفی کنند و عملاً آن را در اجتماع ترویج دهند.

ما نزد دولتمردان بذر یاس و ناامیدی و نافرمانی خواهیم پاشید. ما بصورت غیر محسوس ولی فعالانه و پیگیر علیه وجدان کاری تبلیغ خواهیم کرد و رشوه را در نزد کارمندان و ماموران حکومتی به صورت یک امر طبیعی و یک ارزش معمول خواهیم ساخت.

بدین ترتیب وجدان و قانون به تمسخر گرفته شده و به بایگانی تاریخ سپرده خواهد شد. دو واژه‌ای که دیگر کسی محتاج آن نخواهد بود.

ما بصورت نامحسوس و در خفا بذر دروغ، طغیان و نفاق را نزد همه ملل خواهیم پاشید. الکلیسم و اعتیاد، بی‌اعتمادی، بی‌احترامی و بی‌شرمی را در میان افراد جامعه ترویج خواهیم داد. در میان ملل و افراد جامعه جو دشمنی پدیدار خواهیم ساخت در نهایت افراد بسیار اندکی متوجه خواهند شد و یا حداقل احساس خواهند کرد که چه اتفاقی در حال وقوع است، اما حتی در آن صورت نیز آنها را در وضعیت سختی گرفتار ساخته ایم، آنان دیگر تک و تنها مانده‌اند. در آن زمان آنان عملاً به یک دلقک بدل گشته‌اند. در آن موقع نیز به راحتی خواهیم توانست مردم همان جامعه و ملت را علیه خودشان بشورانیم و آنان را به تمسخر بگیریم.

آری ثمره این «مانیفست ردیلت» تسلط بر روح و روان و قلب ملل، زدودن ارزشها و باورهای انسانی هزاران ساله آنان و پدید آوردن انسانهای جدیدی است که بدون هیچ گونه چون و چرا مرید و منادی ارزشهای غربی می‌گردند.

شاید امروز کمتر کسی سخنان «آلن دالس» رئیس پیشین سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA) را به یاد داشته باشد. با خواندن و توجه دقیق به آنچه وی می‌گوید پاسخ بسیاری از سوالات و ابهامات نسل‌های جدید و قدیم در مورد اینکه، چرا ما مرید و هوادار سینه چاک غرب و به خصوص آمریکا گشته ایم، چرا هر آنچه آنها می‌گویند درست و زیبا و گفته‌ها و اندیشه‌های ما غلط و به اصطلاح «دموده» است، چرا آنان آزاد منش هستند و ما ناسیونالیست و افراطی (!؟)،

چرا در عصر ما ادبیات و فرهنگ غرب و اصولاً هر آنچه غربی است بدون چون و چرا نشانگر تجدد و ارزش و نوگرایی است اما فرهنگ مامل شرق، نشانگر عقب‌ماندگی، املی و... آشکار می‌گردد.

«دالس» در سال ۱۹۴۵ طی نطقی در کنگره آمریکا که می‌توان آن را «مانیفست ردیلت» نامید چنین می‌گوید:

«ما با ترویج یاس و ناامیدی، بصورت خزنده ارزشهای خود را جایگزین ارزشهای آنان (ملل دیگر) خواهیم کرد، به آنان می‌قبولانیم که آن را باور و دوست داشته باشند، به صورت نامحسوس ادبیات و هنر آنان را از ارزشهای انسانی و اجتماعی تهی خواهیم ساخت تا دیگر نقاش، اندیشه و تفکر ترسیم وقایع زندگی روزمره عامه مردم را به خود راه ندهد. و اما ادبیات، تئاتر و فیلم می‌بایست چهره و صفحات زشت زندگی اجتماعی را به تصویر کشیده و تنها منادی آن باشند ما باید مشوق و حامی جریان‌ها و کسانی باشیم که سکس و خشونت، سادیسم و

## نامه دریافتی

بسمه تعالی

مدیر مسوول محترم ماهنامه‌ی آراکس  
با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند شماره ی ۱۵-۱۴ آن ماهنامه از نظر اینجانب گذشت و نکته ای توجه بنده را به خود جلب نمود که ذیل توضیحی را در آن مورد عنوان می‌دارد.

ذیل عنوان نگاهی به مسئله ارمنی مطلبی نگارش یافته است که در بخشی از آن سرزمین های قفقاز و ایران و آسیای میانه به عنوان سرزمین های ترک زبان شرق ذکر گردیده اند که نادرست است. چه ایران هیچ گاه سرزمین ترک زبان نبوده است و سرزمین های آسیای میانه هم در زمان مورد بحث که سال ۱۹۱۵ میلادی یا سال ۱۲۹۳ هجری شمسی بوده است بیشتر فارسی زبان بوده اند تا زبان های دیگر.

به امید خدا که این اشتباه سهواً رخ داده است

با تشکر رضاقسیمی

مسوول روابط عمومی جهاد دانشگاهی صنعتی امیر کبیر

\*\*\*

ضمن تشکر از خواننده محترم برای دقتی که مبذول داشته‌اند، موارد زیر را به استحضار می‌رسانیم:

۱- البته در سال ۱۹۱۵ قفقاز و ایران کلاً ترک زبان نبودند، بلکه تنها در مناطقی از آنها اهالی به زبان ترکی سخن می‌گفتند، همچنانکه امروز نیز چنین است. منظور از سرزمین های ترک زبان خارج از ترکیه در سال های جنگ جهانی اول نیز همان بخش های ترک نشین ایران و قفقاز و آسیای میانه و غیره می‌باشد. شاید لازم بود که در این باره در خود مقاله توضیحی داده می‌شد تا جای هیچ ابهامی باقی نماند. به هر حال این نیز گفتنی است که دولت «ترک های جوان» که در سال های جنگ جهانی اول به قفقاز و ایران لشکر کشید، ایران و قفقاز و آسیای میانه را اساساً سرزمین های ترک زبان می‌شمرد؛ کما اینکه در همان شماره مجله در خاطرات سید محمد علی جمال زاده می‌خوانیم که افسر ترک که از جمال زاده بازجویی می‌کرد، به زور و با تهدید سیلی از او می‌خواست تا ترکی حرف بزند و می‌گفت: «اگر واقعاً ایرانی هستید، چرا ترکی حرف نمی‌زنی؟». این نشان می‌دهد که در خیالات پان-ترکیستی ترکهای جوان، ایران کلاً سرزمینی ترک زبان بوده است.

۲- و اما در مورد آسیای میانه باید گفت که در دوره شوروی جمهوری های ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان را جمهوری های «آسیای میانه» می‌نامیدند. امروز با به کارگیری این اصطلاح، قزاقستان و دیگر مناطق آسیای مرکزی را هم در نظر می‌گیرند. شاید درست تر باشد به جای اصطلاح جدید «آسیای میانه» همان اصطلاح قدیمی تر و جا افتاده تر «آسیای مرکزی» به کار رود. به هر حال باید توجه داشت که پس از قرون وسطی بیشتر مناطق «آسیای میانه» ترک زبان بوده است، به طوری که در سال ۱۹۱۵ نیز بجز در تاجیکستان و بخش هایی از ازبکستان امروزی که اهالی به زبان فارسی-تاجیکی سخن می‌گفتند، دیگر نواحی «آسیای میانه» اساساً ترک زبان بوده اند.

در خاتمه یک بار دیگر از آن خواننده گرامی که باعث شدند این توضیحات تکمیلی را ارائه دهیم صمیمانه سپاسگزاریم

آراکس



## آیا این فرقه می‌خواهد به ارامنه که هم اینک ۱۷۰۰-مین سالگرد پذیرش دین مسیح را به عنوان دین رسمی خود گرامی می‌دارند، درس مسیحیت دهد؟!

نیست بر ماست. لذا آنها برخورد منفی مردم با خودشان را «منطقی» می‌دانند، چرا که معتقدند، «تمامی کسانی که از فرقه شان جدا شده یا اصولاً نسبت به آنان نظری منفی دارند، رهروان شیطانند».

«شاهدان یهوه» انجیل مقدس را به انگلیسی ترجمه نموده و در آن به جای کلمات «خداوند»، «صاحب» و «فرزند پروردگار»، کلمه «یهوه» را به کار گرفته‌اند. این عمل در نوع خود نقض آشکار یکی از فرامین انجیل مقدس است که می‌گوید: «اگر کسی حتی یک کلمه از کتاب مقدس را تغییر دهد، یا بر آن بیفزاید و یا از آن بکاهد و تحریف نماید، نفرین ایزدی گریبانگیرش خواهد شد».

آیا این فرقه می‌خواهد به ارامنه که هم اینک ۱۷۰۰-مین سالگرد پذیرش دین مسیح را به عنوان دین رسمی خود گرامی می‌دارند، درس مسیحیت دهد؟!

ما ضمن دعوت از همه خانواده‌ها خصوصاً جوانان، از آنان می‌خواهیم تا با این مبلغین نفاق هوشیارانه برخورد کنند، و اما به هم وطنان غیر ارمنی نیز می‌گوئیم که این گروه‌های به اصطلاح مذهبی و در حقیقت سیاسی هیچ ارتباطی با کلیسای ارمنی نداشته و ندارند، آنچه که اینان تبلیغ می‌کنند همانطور که تاریخ معاصر کشورمان نیز گواه آن است، نفاق، دشمنی، جاسوسی و... می‌باشد.

هوشیارانه و آگاهانه این عوامل بیگانه را از خود طرد کنیم تا نتوانند ورای نقاب دین و مذهب کوچکترین زمینه‌ای برای فعالیت و تحقق خواسته‌های اربابان خود داشته باشند.

X

اخیراً فعالیت مسیونرهای مذهبی در محلات ارمنی نشین شدت یافته است. به طور حتم خانواده‌های ارمنی (و غیر ارمنی) شاهد بوده‌اند، که چگونه به اصطلاح این مبلغین مذهبی در گروه‌های دو یا سه نفری با به صدا در آوردن زنگ منازل و با تبلیغ فرقه خود، آنان را ترغیب به عضویت در محفل خود می‌کنند. در خلال سالهای اخیر اعضای گروه میسیونری «شاهدان یهوه» با گسیل مبلغین خود که معمولاً دو نفر می‌باشند، (یکی عضو با سابقه میان سال و دیگری جوان)، خانواده‌های ارمنی و در بسیاری موارد دیگر غیر ارمنی را دعوت به عضویت در محفل خود می‌کنند. این تشکل مشکوک که مرکزیت آن همچون بسیاری دیگر از فرقه‌ها در آمریکا می‌باشد سعی در برانگیختن مردم علیه کلیسا، آداب و رسوم سنتی و مذهبی و در یک کلام اعتقادات ما دارند. آنان مردم را تشویق به دوری از امور و مسائل جامعه، از جمله فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و... می‌کنند. این فرقه صبیونستی از مردم می‌خواهد که به گفته آنان گردن نهند. چه آن یگانه‌ندای راستین و به اصطلاح بشارت خداوند است.

در تبلیغات این فرقه معلوم الحال آمده است: «این فقط ما هستیم که کلام خداوند را صادقانه به شما بشارت می‌دهیم. به عبارت دیگر «کلامشان کلام خداست». اینان می‌گویند که تنها با شرکت در جلسه‌های آنان است که می‌توان کلام خدا را درک نمود و از پاسخگویی به اینکه چرا به غیر از خودشان کس دیگری قادر به بیان «کلام خدا» نیست باز می‌مانند.

«شاهدان یهوه» می‌گویند هر که از ما



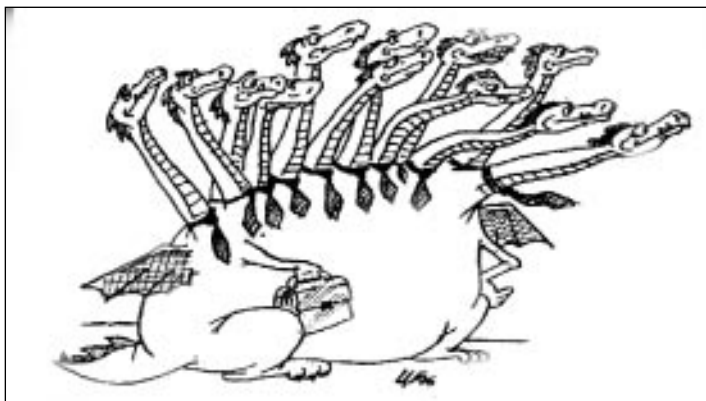
فدراسیون روسیه که در جلسه هیئت دولت این کشور قرائت می شد آمده است: «از ابتدای سال جاری میلادی هیچ کمک و وام دولتی به کشورهای مستقل مشترک المنافع داده نشده است». به گفته مقامات این وزارتخانه دلیل این امر، عدم پرداخت بهره وامهای پرداخت شده قبلی و نیز تعلل در پرداخت اقساط توافق شده از سوی این کشورها اعلام شده است.

طبق برنامه ریزی قبلی، دولت روسیه در نظر داشت در خلال سه ماه اول سال جاری ۹۹/۸۲ میلیون روبل وام به اعضای جامعه کشورهای مشترک المنافع اعطاء کند.

### نظر سنجی

خبرگزاری «توران» اخیراً (اواخر اردیبهشت) نظر سنجی را در میان سیاستمداران جمهوری آذربایجان انجام داد. سوژه اصلی این نظر سنجی «بعد از مرگ علی اف چه تحولاتی در کشور روی خواهد داد» بود. رادیو «آزادی» به نقل از این خبرگزاری اعلام کرد: «در این نظر سنجی ۵۰ تن از سیاستمداران آذربایجان، رهبران احزاب و خبرنگاران معروف این جمهوری شرکت داشتند. ۴۹/۷ درصد معتقد بودند که بعد از مرگ علی اف انتخابات آینده در فضای دمکراتیک تری برگزار خواهد گردید. ۴۶/۸ درصد نیز بر این عقیده بودند که در غیاب علی اف حکومت توسط گروه جدیدی به صورت مسالمت آمیز غصب خواهد شد، البته در این کار همه چیز در ظاهر شکلی قانونی خواهد داشت. ۳/۵ درصد سوال شوندگان نتوانستند پاسخ صریحی بدهند.»

رادیو «آزادی» از این گزارش خبری چنین نتیجه گیری می کند: «بعد از فوت



حیدر علی اف، چنانچه شرایط دموکراتیکی برای انتخابات فراهم گردد اولین فردی که شانس بیشتری برای جانشینی وی دارد، فرزندش «الهام علی اف» است، جانشین دوم وزیر امنیت ملی «نامیک عباسف» و نفر سوم داماد حیدر علی اف یعنی معاون وزیر امور خارجه «محمد قلی اف» می باشد. و اما جانشین چهارم، رئیس کارکنان ریاست جمهوری «رامز مهدی اف» می باشد.»

به گفته این رادیو اگر قرار بر غصب حکومت باشد در این صورت اولین نفر «مهدی اف»، دومین نفر، «الهام علی اف» و نفر سوم «نامیک عباسف» می باشد. از سوی دیگر «الهام علی اف» طی مصاحبه با نشریه «ایزوستیا» چاپ روسیه گفته است که «پدرش مطمئناً تا سال ۲۰۰۸ میلادی قدرت را در آذربایجان در دست خواهد داشت». به گفته «الهام» پدرش تا سال ۲۰۰۳ م. رسماً ریاست کشور را عهده دار خواهد بود، اما طبق قانون اساسی وی این حق را خواهد داشت تا یک بار دیگر کاندیدای ریاست جمهوری کشور گردد و من مطمئن هستم که مردم آذربایجان بار دیگر وی را به این سمت بر خواهند گزید. حیدر علی اف در آذربایجان رقیبی ندارد.»

به گفته الهام علی اف که معاون اول شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان نیز می باشد، «صحبتهای مربوط به تغییر حکومت هنوز زود است. سخنان اینچنینی ساخته و پرداخته مخالفین حکومت است که به خاطر منافع گروهی و سیاسی دست به این جو سازی ها می زنند.»

### اقدامات شجاعانه (!؟)

به گزارش خبرگزاری آرمن پرس، «کری کاوانو» نماینده آمریکا در گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا که برای ملاقات با طرفهای ذینفع در مناقشه قره باغ راهی ارمنستان و آذربایجان شده بود طی مصاحبه مورخ ۱۹ مه (۲۹ اردیبهشت) ضمن مثبت و مهم دانستن ملاقات روسای جمهور ارمنستان و آذربایجان گفته: «تلاشهای سران دو کشور برای یافتن راه حلی برای مناقشه قره باغ امیدوار کننده است». وی در ادامه می گوید: «برای رسیدن به صلح به غیر از اقدامات شجاعانه، مصالحه و گذشت متقابل سخت از سوی طرفین و تحلیل دقیق اوضاع، لازم است که توجه و دقت کافی به مناقشه قره باغ از سوی کشورهای و افکار عمومی جهان نیز صورت گیرد.»

از سوی دیگر روسای سه کشور روسیه، آمریکا و فرانسه در گروه مینسک اظهار امیدواری کرده اند که در آینده ای نزدیک توافق در زمینه صلح نهائی به دست خواهد آمد.

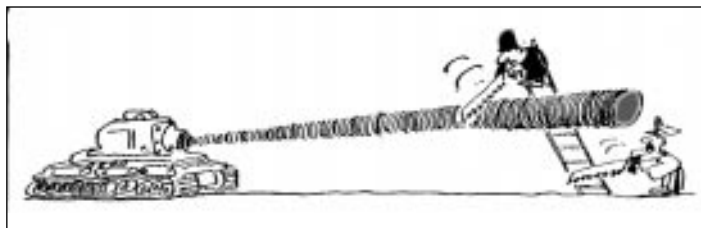
«نیکولا گریبکف» نماینده روسیه در گروه مینسک موضع کشورش را چنین بیان نمود: «ولادمیر پوتین رئیس کشور ما نقش حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان در خاتمه مناقشه قره باغ را بسیار مهم می داند». به گفته گریبکف، «آذربایجان برای یافتن راه حل این بحران می تواند به روسیه و نیز کمکهای آمریکا و فرانسه یقین داشته باشد». وی در ادامه تأکید نموده است: «اما باید توجه داشت که در کوتاه مدت انتظار و امیدهای غیر منطقی در یافتن راه حلی سریع برای خاتمه نهائی این بحران نباید داشت، هنوز مشکلات و کارهای بسیاری پیش روی ما قرار دارد». به گفته این دیپلمات روس برای خاتمه این بحران ملاقاتهای اخیر و فعالیتهای مستمر سران گروه مینسک، سه کشور روسیه، آمریکا و فرانسه از اهمیت به سزائی برخوردار می باشد. «گریبکف» تأکید نمود، «از همه مهمتر اراده علی اف و کوچاریان است، که در صددند راه حلی منطقی بیابند تا مورد پذیرش و قبول هر دو طرف قرار گیرد.»

از سوی دیگر «فیلیپ فورمان» نماینده فرانسه در گروه مینسک می گوید: «یافتن راه حل برای مناقشه قره باغ تنها بر عهده ارمنستان و آذربایجان نیست بلکه وظیفه همه جهانیان است که فعالانه برای خاتمه این بحران تلاش کنند.»

قابل ذکر است اعضای گروه مینسک ضمن دیدار با سران و مقامات جمهوریهای ارمنستان، آذربایجان و قره باغ، از نزدیک از اردوگاههای مهاجران بازدید و با ساکنان آنها گفتگو کردند.

### ضرورت

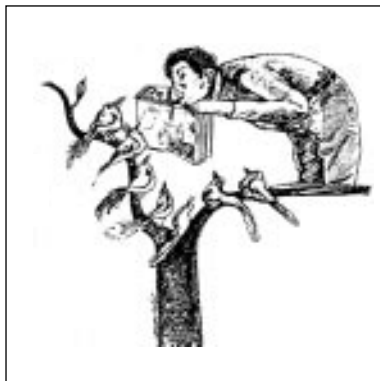
به گزارش خبرگزاری نویان داپان ارمنستان، به نقل از خبرگزاری (MPI)، «ایبف» وزیر دفاع جمهوری آذربایجان طی سخنانی گفته است که، در دیدار آینده با ایوانف همتای روس خود راه های گسترش همکاریهای نظامی را در دستور کار خود قرار خواهد داد. وی این احتمال را رد نکرد که در دیدار با مقامات ارشد نظامی فدراسیون روسیه نوسازی و خرید جنگ افزارهای مدرن و پیشرفته نظامی را نیز مد نظر خواهد داد. به گفته وزیر دفاع آذربایجان ارتش ملی این کشور نیاز مبرم به نوسازی و مدرنیزه کردن دارد و لذا بدین منظور نیاز به همکاری با روسیه ضروری می باشد.



در این گزارش به نقل از «ایبف» آمده است، روسیه آمادگی خود را برای تحقق این مهم اعلام داشته است.

### تعلیل

به گزارش خبرگزاری آرمن پرس، روسیه اعطای وام به جمهوریهای مستقل مشترک المنافع را به حال تعلیق در آورده است. در گزارش وزیر اقتصاد



### ظرافت

به نوشته نشریه «موسکوسکی نووستی» از اول سپتامبر سال جاری میلادی (۱۰ شهریور) تمام روزنامه ها و نشریات جمهوری آذربایجان با الفبای لاتین به چاپ خواهد رسید. قبلاً تا سال ۱۹۲۹ م. الفبای عربی در این جمهوری مورد استفاده قرار می گرفت. سپس در زمان حکومت شوروی به لاتین تغییر یافت و از سال ۱۹۴۰ م. به بعد الفبای کریل جایگزین آن گردید. با فروپاشی

اتحاد جماهیر شوروی، مجلس ملی جمهوری آذربایجان رای به استفاده مجدد از الفبای لاتین داد.

به نوشته این نشریه مقامات این جمهوری علت اصلی این تصمیم را ضعف الفبای کریل در بیان تمامی تلفظ ها و ظرافتهای زبان آذری دانسته اند و این در حالی است که به گفته مقامات آذری الفبای لاتین به شایستگی قادر به بیان این ظرافت های گویشی می باشد. هر چند که الفبای لاتین نیز تماماً نمی تواند خواست آنان را تحقق بخشد. زبان شناسان جمهوری آذربایجان برای هر چه بهتر و کارآمدتر کردن الفبای لاتین و برطرف کردن کاستیهای آن اقدام به اضافه کردن پاره ای علائم بر روی الفبای لاتین نموده اند تا با این کار تلفظ های بهتری حاصل گردد. هر چند که مسئولین این جمهوری علت تغییر الفبا را صرفاً ضعف الفبای کریل دانسته اند اما به اعتقاد کارشناسان امور سیاسی منطقه، این اقدام دقیقاً در راستای نگرش به غرب صورت گرفته است. همان طور که دهها سال پیش تر کیه نیز با تغییر الفبای عربی به لاتین چنین کرد.



### ملت ترک این حق را دارد.....

نشریه معتبر «تایمز» چاپ انگلیس در شماره ۲۷ آوریل (۷ اردیبهشت) خود مقاله ای را به قلم «دوریان جانسون» به چاپ رساند. نگارنده در این مقاله که از استانبول برای این نشریه ارسال داشته است می نویسد: آرشیوهای دولتی ترکیه مربوط به دوران حکومت عثمانیان که می تواند مدارک و شواهد

ارزشمندی باشد مبنی بر کشتار ارمنیان از سوی دولت ترکیه به زیرکی مورد سود جوئی قرار می گیرد، از سوی دولت ترکیه اعلام می کند که این آرشیوها برای استفاده محققان آماده است و آنان می توانند از آن بهره جویند اما از سوی دیگر شواهد بیانگر آن است که در خلال ۱۰ سال گذشته نزدیک شدن و بررسی این آرشیوها یا غیر ممکن بوده و یا صرفاً در اختیار افراد خاص و محدودی قرار گرفته است. «جانسون» با اشاره به گفته های «حلیل برکتاو» استاد دانشگاه «صابانچی» می نویسد: «این استاد دانشگاه می گوید، آرشیوهای دولتی در اختیار کسانی قرار گرفته که بسیار تنگ نظر بوده و مسائل را از روزه تنگ ناسیونالیستی می نگرند، آرشیوها را فقط در اختیار افرادی خاص و کسانی که به اصطلاح دوستان ترکیه می باشند قرار می دهند و محققان بی طرف را از خود می رانند. ما می دانیم که شواهد و اسناد بسیاری در خصوص قتل عام ارمنیان همچنان پنهان نگه داشته می شود». مقاله نویس انگلیسی در ادامه می نویسد: «محققان و آکادمیستهای نامدار که شهرتی بین المللی دارند نیز از برخورد مغرضانه دولت ترکیه به شدت عصبانی و نگرانند، چه آنان با فعالیت تحقیقاتی و علمی دانشمندان مخالفت می کنند».

«جانسون» در پایان می نویسد: «به دلیل این اعتراض بین المللی است که نظامیان ترکیه اعلام می کنند حاضرند آرشیوها را در اختیار محققان قرار دهند، اما کمتر کسی را می توان یافت که این گفته نظامیان را باور داشته باشد. با اوج گیری این مسئله، بحث به جرائد این کشور نیز کشیده شده است. در یکی از



### اورشلیم متعلق به همه ادیان است

جاثلیق «گارگین دوم» رهبر مذهبی ارمنه جهان طی مصاحبه با خبرگزاری (UPI) آمریکا، در خصوص وضعیت حقوقی شهر اورشلیم اظهار داشت: «من معتقدم این شهر باید از لحاظ حقوقی و اداری وضعیت خاصی را داشته باشد. هر گونه تصمیم در مورد اداره این شهر نباید باعث به خطر افتادن موقعیت اماکن مقدسه این شهر گردد. باید آزادی ابراز عقیده و نیایش و نیز فعالیت تمامی کلیساها حفظ گردد. اورشلیم باید یک شهر آزاد برای همه ادیان باشد. من معتقدم که این شهر نباید تابع و تحت تاثیر هیچ دولتی قرار گیرد».

جاثلیق گارگین دوم در پاسخ به نقش کلیسای مرسلی ارمنی در خصوص مناقشه قره باغ گفت: «ما سعی می کنیم شرایطی فراهم آوریم که روسای جمهور ارمنستان و آذربایجان بتوانند در نهایت به راه حل مسالمت آمیزی برای خاتمه این بحران دست یابند». وی در ادامه گفت: «با میانجی گری آلکسی دوم رهبر مذهبی کلیسای ارتودوکس روسیه، چند ماه پیش با شیخ الاسلام پاشا زاده ملاقاتی انجام دادم. تا به کمک همدیگر شرایط بهتری را برای خاتمه این مناقشه فراهم آوریم». پیشوای مذهبی ارمنه جهان در خصوص چگونگی روابط ایشان با پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیکهای جهان گفت: «ما روابط صمیمانه و برادرانه خوبی نه تنها با کلیسای کاتولیک و شخص پاپ بلکه با همه کلیساها و مذاهب مختلف مسیحی داریم».

### مخالفت ایران

معاون وزیر امور خارجه کشورمان گفت: «جمهوری اسلامی ایران به خاطر خطرات ناشی از وقوع زلزله و ملاحظات اکولوژیک با عبور خط لوله انتقال نفت «باکو - تفلیس - جیحان» از بستر دریای خزر موافق نیست. طرح مزبور قرار است برای انتقال حداکثر ۵۰ میلیون تن نفت در سال به طول یک هزار و ۷۵۰ کیلومتر و با صرف هزینه ای بیش از دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار احداث شود».

### «قرن ما» چه می نویسد (!؟)

به نوشته هفته نامه «قرن ما» چاپ جمهوری آذربایجان مورخ ۳۰ مارس (۹ خرداد)، «اخیراً نمایندگان جامعه ترکها و آذربایجانی های انگلیس تظاهرات سه ساعته ای را در مقابل دفتر نخست وزیر انگلیس، بر پا نمودند. تظاهر کنندگان در غالب انجمن «وطن» نامه ای که در آن سیاست توسعه طلبانه ارمنه علیه جمهوری آذربایجان محکوم شده بود را به همراه یک هزار امضاء و نیز کتب و گزارشهایی از تاریخچه مناقشه تقدیم «تونی بلر» نخست وزیر انگلیس نمودند. به نوشته هفته نامه «قرن ما»، در نامه یاد شده آمده است: «بیش از سه میلیون آذربایجانی مدت ۱۰ سال است که زندگی مشقت باری دارند، آنان در اردوگاه ها و شهرک های مهاجرین زندگی سختی را سپری می کنند. از سال ۸۹-۱۹۸۸ بیش از ۳۰۰ هزار آذربایجانی از ارمنستان به زور وادار به ترک خانه و کاشانه خود شده اند، به دلیل اشغال سرزمینهای جمهوری آذربایجان، استقلال و تمامیت ارضی این کشور به زیر سوال رفته است».

در نامه فوق در خصوص جزئیات درگیری ها توضیحاتی ارائه شده است. مسئله ای که به گفته انشاء کنندگان نامه باعث گشته جمهوری آذربایجان نتواند از تمامی پتانسیل اقتصادی خود بهره جوید. در این نامه همچنین آمده است که، قره باغ وطن ده ها روشنفکر، شاعر، نویسنده و موسیقیدان آذربایجانی بوده و این در حالی است که ارمنیان تنها در قرن ۱۹ به این منطقه راه پیدا کرده اند، لذا قره باغ جز لاینفک جمهوری آذربایجان می باشد».

به نوشته این هفته نامه، «انجمن وطن» که دارای ۱۶ هزار عضو از میان آذربایجانی های ساکن انگلستان می باشد برای نزدیکی و همکاری هر چه بیشتر دو کشور انگلستان و آذربایجان تاسیس شده است..

ارمنی ایرانی مقیم ایروان، مارکو گریگوریان (موسس بینال های گیومری)، آرتوش مگردیچیان (رئیس موزه هنری گیومری)، آرات سرکسیان (نقاش و هنرمند ویدیو آرت)، هریکناز گالوستیان (مجسمه ساز و هنرمند چیدمان) و تنی وارطانیان (نقاش و هنرمند تئاتر) دعوت به عمل آورده بود.

### گفت و گوی تمدن ها، سه پل را به هم رساند

پل الله وردی خان اصفهان با پل های ایتالیا و ارمنستان خواهر خوانده شد. طی مراسمی در شهر ساناهین ارمنستان، و با اهدای نشان شهرداری رم به نمایندگان ایران و ارمنستان، پل های آلوردی ارمنستان، میلیوی رم و الله وردی خان اصفهان خواهر خوانده اعلام شدند.

این مراسم را که با حضور سفیر ارمنستان و نمایندگان ایران در رم برگزار شد، می توان به منزله قدمی در راه گسترش گفت و گوی تمدن ها و شناساندن بیشتر تاریخ سه کشور ارزیابی کرد.

در این مراسم تعدادی از نمایندگان احزاب و روزنامه نگاران و ایرانیان و ارمنه مقیم ایتالیا نیز حضور داشتند.

«گزارش گفت و گو»

مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن ها - سال اول - شماره دوم - اول اردیبهشت ۱۳۸۰

### ارسال کمک

هئیتی از گروه دوستی پارلمانی ارمنستان و عراق اواسط ماه ژوئن (۲۶ الی ۲۸ خرداد) به همراه تعدادی از خبرنگاران و تجار جمهوری ارمنستان و نیز چند تن کمکهای بشر دوستانه شامل دارو و مواد غذایی تولید جمهوری ارمنستان راهی بغداد شدند. این سومین بار است که ارمنستان اقدام به ارسال کمکهای دارویی و غذایی به عراق کرده است. پیشتر ارمنستان با دو پرواز مستقیم مقادیر متنابوی دارو به بغداد ارسال کرده بود.

### کاردار تل آویو، فلسطینیان، ایران و چند کشور عربی را

#### محکوم کرد

«شموئیل مویال» کاردار موقت اسرائیل در باکو طی مصاحبه مطبوعاتی که در تاریخ ۵ ژوئن، (۱۹ خرداد) به خاطر وقوع انفجار در یکی از کلوپهای شبانه آن رژیم



ترتیب داده شده بود خطاب به خبرنگاران حاضر گفت: «طی ۳ ماه اخیر ۳۳۷ شهروند اسرائیلی قربانی عملیات تروریستی فلسطینیان شده اند.»

به گفته وی در حالی که آمریکا، کشورهای اروپائی، دبیر کل سازمان ملل متحد و روسیه این اقدامات را محکوم کرده اند اما تا کنون باکو رسماً آن را محکوم نکرده است. این دیپلمات رژیم تل آویو در خلال صحبت های خود ضمن اشاره به مجادله جمهوری آذربایجان و

ارمنستان گفت: «در حالی که همسایگان جنوبی جمهوری آذربایجان و تعدادی از کشورهای اصول گرای عربی از خود موضعگیری های افراطی نشان می دهند، اما جمهوری آذربایجان هیچ گاه چنین موضعگیری را از خود نشان نداده است.»

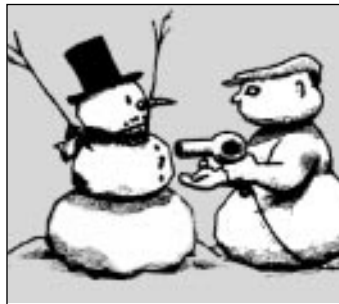
منابع خبری جمهوری آذربایجان هیچ جزئیاتی از این مصاحبه و اینکه خبرنگاران این کشور چه عکس العملی به گفته های کاردار اسرائیلی نشان داده اند و آیا از ایشان سوال کرده اند که در خلال همین ۳ ماه چند فلسطینی بی گناه کشته شده اند، مخابره نکرده اند.

قابل ذکر است اسرائیل در قفقاز تنها در دو جمهوری آذربایجان و گرجستان دارای سفارتخانه است، و هیچ دفتر نمایندگی سیاسی در ارمنستان ندارد.

روزنامه های ترکیه آمده است: «ملت ترک این حق را دارد تا بداند، آیا آن چیزی را که آنان بدان متهم شده اند حقیقتاً صورت گرفته است یا خیر». با این حال هم اینک اسناد و مدارک زیادی وجود دارد تا اعلام کنیم که، آری قتل عام ارمنیان توسط دستور حکومت وقت صورت گرفته و به هیچ وجه نمی توان آن را نفی کرد.»

### خود مختاری برای آذربایجان غربی (۱؟)

به گزارش خبرگزاری «آرمن پرس» یک سازمان جدید تحت نام «آذربایجان غربی» در باکو اعلام موجودیت کرد. بانیان این تشکل جدید هدف تشکیلات خود را درخواست خود مختاری برای آذربایجان های ساکن در جمهوری ارمنستان اعلام کرده اند. نشریه «زرگالو» چاپ باکو در شماره مورخ ۵ ژوئن (۱۵ خرداد) خود در



این باره می نویسد: «دیروز در سالن انجمن مطبوعات باکو طی مراسمی سازمان «آذربایجان غربی» اعلام موجودیت کرد. «شاقمان حسین» عضو دفتر سیاسی حزب «استقلال ملی»،

اهداف این سازمان را چنین اعلام کرد: «این سازمان برای دفاع از حقوق آذربایجانی هایی که از ارمنستان رانده شده اند تاسیس شده است، ما برای این کار نقش هماهنگ کننده ای میان همه

تشکلات و سازمانهای فعال در سرتاسر کشور ایفا می کنیم». به گفته وی هدف عمده این سازمان جدید التاسیس حمایت و احقاق حق همه کسانی است که جبراً از «وطن تاریخی» خود رانده شده اند، سرزمینی که امروز ارمنستان نامیده می شود. هدف غایی ما درخواست خود مختاری برای آنان است.»

به گفته «ش. حسین»: «سازمان جدید در نظر دارد برای جبران خسارت مادی و معنوی رانده شدگان و درخواست غرامت برای آنان به مراجع ذی صلاح بین المللی اعلام شکایت نماید». وی اعلام آمادگی کرد تا با همه احزاب و گروه های سیاسی فعال در آذربایجان جدای از تعلقات و خط و مشی سیاسی همکاری صمیمانه داشته باشد. به گفته وی هم اینک دو سازمان به نامهای «آگری داغ» و «ایروان» در راستای همین خواست فعالیت می کنند و لذا سازمان جدید وی نیز با کمال میل آماده است با این تشکلات همکاری نماید.

### نمایشگاه هنر معاصر ارمنستان در تهران

نمایشگاه هنر معاصر ارمنستان همراه با منتخبی از آثار نقاشان نوگرای ارمنی



ایران روز دوشنبه ۲۱ خرداد ماه در موزه هنرهای معاصر گشایش یافت.

متولیان این نمایشگاه به دلیل تقارن با سال ۲۰۰۱ میلادی، سال گفتگوی تمدن ها و به خاطر گرمای داشت

هزار و هفتصدمین سال پذیرش مسیحیت در ارمنستان نمایشگاه هنر معاصر ارمنستان را در موزه هنرهای معاصر بر پا کردند.

در این نمایشگاه حدود دویست اثر از ۳۵ هنرمند نوگرای کشور ارمنستان به نمایش در آمده است. در این مجموعه آثاری از موزه های مختلف شهر گیومری، شهر اسقف نشین اچمیادین و شهر تاریخی ایروان به امانت گرفته شده اند که شامل هنر نقاشی و چیدمان است.

در عین حال آثار هنری ده هنرمند نوگرای ارمنی ایران نیز به همراه سایر آثار به نمایش در می آید.

موزه هنرهای معاصر برای شرکت در این نمایشگاه از هنرمند پیش کسوت

### اعتراض شدید

نمایندگان شوراهای شهر، شهرک‌ها و روستاهای استان سیونیک ارمنستان (استان همجوار ایران) با صدور اطلاعیه‌ای شدیداً به زمزمه‌های مطرح شده در خصوص ایجاد دالانی میان جمهوری آذربایجان و منطقه خود مختار نخجوان و حضور نیروهای صلح بین‌المللی در آن منطقه اعتراض کردند.



آمریکا است اما در حال حاضر این کشور با همسایگان خود روابط چندان مطلوبی ندارد. اگر ما خواهان گسترش هر چه بیشتر روابط خود با این کشور هستیم باید برای حل مناقشه قبرس و قره باغ تلاش کنیم».

### با ما مشورت صورت می‌گیرد



«آرکادی قو کاسیان» رئیس جمهور قره باغ، طی مصاحبه‌ای با رادیو ارامنه فرانسه موسوم به «آیب» گفته: «قره باغ از آذربایجان مستقل است و به هیچ وجه مطیع و تابع آن جمهوری نخواهد شد». وی که چندی پیش راهی فرانسه شده بود در ادامه این مصاحبه که به طور مستقیم از این رادیو پخش می‌شد همچنین گفته است: «مذاکرات مربوط به قره باغ در یک شرایط و روند خاص صورت می‌گیرد، این شرایط تا حدی از لحاظ دیپلماتیک برای ما قابل فهم است. لذا

نمایندگان قره باغ به دلیل پاره‌ای از مشکلات در این مذاکرات حضور ندارند اما با این حال همواره با ما مشورت صورت می‌گیرد و ما را در جریان روند مذاکرات و گفتگوها قرار می‌دهند. قو کاسیان در ادامه اظهار داشت: «بلاطبع من نمی‌توانم به جای علی اف و کوچاریان اظهار نظر کنم، که آنان تا چه حدی از روند مذاکرات راضی و خشنود هستند اما خشنودی ما زمانی خواهد بود که اهداف و خواسته‌های ما محقق گردد».

### منافع بلند مدت



«الهام علی اف» فرزند حیدر علی اف و معاون حزب «ینی آذربایجان» که عمده نیروی حامی دولت است طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری «توران» چنین اظهار نظر کرده است: «ما به هیچ وجه خط لوله نفت باکو به بازارهای غرب را از ارمنستان عبور نخواهیم داد. حتی اگر روابط ما با جمهوری ارمنستان عادی شود ما نمی‌توانیم منافع بلند مدت خود را به مخاطره اندازیم».

وی در مورد مناقشه قره باغ می‌گوید: «دو کشور ارمنستان و آذربایجان باید با گذشت متقابل با یکدیگر مصالحه کنند. برای ما تنها راه حلی قابل قبول خواهد بود که ضامن خروج نیروهای ارمنی از تمامی سرزمینهای اشغالی و تمامیت ارضی کشور ما باشد».

### گسترش روابط

«عمر ایزگین» رئیس مجلس ملی ترکیه در گفتگو با خبرنگاران، ضمن اشاره به سفر هیئتی از دوماي روسیه به سرپرستی «ولادمیر بخدین» به ترکیه گفت: «ما باید روابط خود را با روسیه به بالاترین حد ممکن ارتقاء بخشیم». وی در دیدار با «ولادمیر بخدین» رهبر گروه «اتحاد» روسیه ضمن اشاره به اهمیت گسترش روابط میان دو کشور همچنین گفته است: «ما باید روابط مجالس دو کشور را هر چه بیشتر گسترش دهیم. زمینه‌های بسیاری برای همکاری دو کشور وجود دارد، از جمله می‌توان به ایجاد امنیت در قفقاز و آسیای میانه اشاره کرد».

قابل ذکر است هیئت دوماي روسیه بنا به دعوت «بلنت آکارجالی» رئیس گروه دوستی پارلمان ترکیه راهی این کشور شده بود. این هیئت سیاسی روسی در خلال اقامت چند روزه خود در ترکیه با مقامات وزارت کشور، مجلس ملی و وزارت امور خارجه این کشور ملاقاتهایی را انجام داد. توضیح اینکه هیچ خبری از جزئیات این گفتگوها منتشر نشده است.

در این اطلاعیه آمده است: «طرح ایجاد این دالان که می‌بایست از استان سیونیک و منطقه مغری بگذرد، در موازات اعطای راه زمینی میان جمهوری قره باغ با ارمنستان یعنی دالان لاجین نه تنها هیچ کمکی به حل مناقشه قره باغ نخواهد کرد، بلکه در صورت تحقق این مسئله امنیت ملی جمهوری ارمنستان شدیداً به خطر خواهد افتاد». در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: «ما شدیداً با این گونه طرح‌ها مخالفت خواهیم کرد، اما در عین حال موافق بازگشایی راه‌های مراصلاتی در این منطقه هستیم و آمادگی خود را اعلام می‌کنیم که در چارچوب مسئولیت‌های قانونی، ادای وظیفه نمایم».

این اطلاعیه به امضاء شهرداران شهرهای مغری، آگاراک، نمایندگان روستاهای تابعه آن و نیز دفاتر محلی، «حزب مردمی ارمنستان»، «حزب جمهوری خواه»، و حزب کمونیست رسیده است.

### خیر خواهی اجوبیت (!؟)



«بلنت اجوبیت» نخست وزیر ترکیه در ملاقات با وزیر دفاع آمریکا که در تاریخ ۶ ژوئن (۱۶ خرداد) در آنکارا صورت گرفت، پیش شرط‌های ترکیه برای برقراری روابط سیاسی با جمهوری ارمنستان را چنین بیان کرد: «ترکیه برای برقراری روابط با این کشور دو پیش شرط دارد.

۱- ارمنستان بدون هیچ قید و شرطی نیروهای نظامی خود را از قره باغ خارج سازد.

۲- ارمنستان دالان ارتباطی امنی در اختیار

جمهوری آذربایجان قرار دهد تا این جمهوری بتواند با منطقه خود مختار نخجوان راه زمینی داشته باشد».

به نوشته روزنامه «حریت»، اجوبیت همچنین گفته است: «در صورت برقراری روابط سیاسی، در وهله اول ارمنستان از آن سود خواهد برد. هر آنچه که ما از ابتدا مطرح کرده ایم به نفع این کشور بوده است. وضعیت ارمنستان امروز شبیه یک صندوق در بسته است. اوضاع اقتصادی آن بسیار بد است و مردم به مرز فقر مطلق رسیده‌اند. اگر ایروان شروط ما را قبول کند به سوی دریای سیاه راه زمینی پیدا خواهد کرد و بدین ترتیب تحولی چشمگیر در عرصه اقتصادی در این جمهوری پدیدار خواهد گردید».

به گفته «اجوبیت»، «با این اقدام وضعیت معیشتی مردم بهتر خواهد شد و از همه مهمتر در منطقه امنیت حاکم خواهد شد».

### به خود می‌بالم

به گزارش خبرگزاری آرمن پرس جمهوری ارمنستان، «کالین پاول» وزیر امور خارجه آمریکا طی سخنرانی در مجلس نمایندگان این کشور گفته است: «ترکیه دوست هم‌پیمان و قدیمی آمریکاست و وی از داشتن روابط حسنه با این کشور به خود می‌بالد. به نوشته روزنامه «ترکیش دیلی نیوز» پاول در این سخنرانی صراحتاً گفته است: «آمریکا سعی می‌کند به ترکیه کمک کند تا این کشور از بحران اقتصادی موجود خارج گردد». به غیر از این آمریکا با ترکیه برای امنیت و دفاع از اروپا و نیز ترسیم خطوط سیاسی همکاری نزدیکی دارد.

قبل از سخنرانی وزیر امور خارجه آمریکا، «استیور وِتمن» نماینده ایالت نیوجرسی از حزب دمکرات طی نطقی گفته بود، «ترکیه هم پیمان استراتژیک

## گسترش همکاری

به گزارش خبرگزاری «قفقاز پرس»، قرار است «صبح الدین چخماق اوغلو» وزیر دفاع ترکیه از گرجستان دیدار رسمی به عمل آورد. به گزارش این خبرگزاری این سفر باید در تاریخ ۵-۳ ژوئیه (۱۲ الی ۱۵ تیر) صورت گیرد. به گفته «گلا برژواشولی» معاون وزیر دفاع گرجستان، وزیر دفاع ترکیه در این سفر با «ادوارد شوارتادزه» رئیس جمهور، «گیا ارسنشویلی» وزیر کشور، «داویت توزادوی» وزیر دفاع گرجستان و چند مقام بلند پایه این کشور ملاقات و در خصوص راه های گسترش همکاریهای نظامی به گفتگو خواهند نشست.



## همکاری PKK با دولت آذربایجان

«عیسی قنبر» رهبر حزب مساوات» آذربایجان در مصاحبه با روزنامه «استار» چاپ ترکیه گفت: «سازمان تروریستی حزب کارگران کردستان ترکیه PKK تماسهای خود را با دولت حیدر علی اف حفظ کرده است و اگر نه این گروه نمی توانست در آذربایجان فعالیتهای خود را تشدید کند».

«عیسی قنبر» که اخیراً برای رایزنی و تبادل نظر با مسئولان ترکیه به این کشور رفته بود در خصوص مناقشه قره باغ گفت: «چنانچه حزب مساوات به حکومت

برسد در راستای حل مناقشه قره باغ نقش اساسی و خاصی برای ترکیه قائل خواهد شد». وی تاکید کرد: «حتی اگر حیدر علی اف موفق به امضای قرارداد صلح و توافق نامه گردد باز فرقی نمی کند ما آن را ملغی خواهیم کرد زیرا وی رئیس جمهور قانونی کشور نمی باشد».

## قضیه به کلی فرق کرده است

«هرالد تریبون اینتر نیشنال» در شماره اول ژوئن (۱۱ خرداد) خود طی مقاله ای نوشته است: «دهها سال است که حاکمان ترکیه قتل عام ارمنیان را نمی می کنند، دلیل اصلی ادعای آنان همانا کتمان مدارک و اسناد قتل عام می باشد».

«فیلیپ مارسدن» مقاله خود را با این تیتراژ آغاز می کند. «ترکها و ارمنیان به حقیقت نیاز دارند». وی در ادامه می نویسد: «در اوایل ماه ژانویه سال جاری بعد از شناسائی قتل عام ارمنیان از سوی مجلس ملی فرانسه، آنکارا سفیر خود را از پاریس فرا خواند و قراردادهای تجاری خود با شرکتهای فرانسوی را به حال تعلیق در آورد. تا همین اواخر استدلالهای ترکیه در نفی قتل عام کافی به نظر می رسید. اما در ۹ ماه اخیر قضیه به کلی فرق کرده است. محققان و ناظران بی طرف صراحتاً اعلام می کنند که قتل عام ارمنیان و کوچ اجباری آنان از ترکیه بدون هیچ شک و تردیدی به وقوع پیوسته است. اما با این حال ترکیه هیچ تغییری در روش و موضع گیری خود نداده است».

مقاله نویس فرانسوی در پایان تاکید می کند: «اینک که ارمنیان ۱۷۰۰-مین سالگرد قبول مسیحیت را جشن می گیرند، فرصت آن فرا رسیده است که ضمن ادا ی احترام به شهدای این قتل عام و همه ارمنیان صراحتاً اعلام کرد که در اوایل قرن بیستم چه به سر آنان آمده است».

## واژه نابجا (۱؟)

روزنامه «ترکیش دیلی نیوز» مصاحبه ای را با خلیفه ارمنه ترکیه به چاپ رسانده است. در این مصاحبه خلیفه «موتافیان» در پاسخ به روند شناسائی قتل عام ارمنیان از سوی مراجع و سازمانهای دولتی و بین المللی چنین اظهار نظر می کند، «برای توصیف این وقایع دردناک استفاده از واژه قتل عام نابجاست. من نمی توانم بگویم که دقیقاً در آن سالیان چه به وقوع پیوسته است، قتل عام یا کشتار. اما با این حال من تنها می توانم بگویم که وقایع تلخ و تاسف باری به وقوع پیوسته است، و اینکه افرادی طی آن وقایع شدیداً آسیب دیده اند کسانی که باید با رنجها و آمل، آن، روزگار سپری کنند».



## شورای امنیت ملی دست به کار شد

به گزارش خبرگزاری ها بعد از بی نتیجه ماندن تلاشهای سیاستمداران ترکیه برای انکار قتل عام ارمنیان و عقیم ماندن رایزنیهای آنان با عناصر هوادار ترکیه در کشورهای مختلف، شورای امنیت ملی ترکیه تصمیم گرفت خود رسماً این موضوع را پیگیری نماید. در راستای این عملکرد هیئتی به سرپرستی «جمهور اسباروک» دبیر این شورا اواخر ماه مه (اوایل خرداد ماه) برای هماهنگ کردن فعالیت سازمانهای هوادار ترکیه و دیدار با سران آنها، راهی کشور پادشاهی دانمارک شد. در پایان این ملاقات که پشت درهای بسته در محل سفارت ترکیه در کپنهاگ

برگزار گردید، تصمیم گرفته شد، برای هماهنگ کردن فعالیت تشکلهای هوادار ترکیه شورایی تحت نام «شورای ترک» تشکیل گردد. طبق مصوبات این جلسه، گروه ها و سازمانهای شرکت کننده می توانند در چارچوب خط و مشی سیاسی و ایدئولوژیک خود فعالیت کنند، اما در صورت به خطر افتادن منافع ملی ترکیه این گروه ها می بایست اختلافات داخلی خود را به کنار نهاده با یکدیگر همکاری نزدیک و تنگاتنگ داشته باشند.

به نوشته روزنامه «حریت» چاپ استانبول، «نظامیان که همه کاره» شورای امنیت ملی می باشند، همچنین فعالیتهایی را در راستای جذب عناصر و گروه های هوادار ترکیه (به اصطلاح لابی) آغاز نموده اند، نظامیان از ناکارآمد بودن فعالیتهای وزارت امور خارجه به شدت دلگیرند، زیرا علیرغم تلاشهای همه جانبه این وزارت خانه روند شناسائی قتل عام ارمنیان در مجالس کشورهای و نهادهای مختلف اروپائی هر روز شتاب بیشتری می گیرد».

به نوشته این روزنامه: «در این نشست نظامیان به سران گروه ها و سازمانهای ترک گفته اند: «نگذارید گروه های ضد ترکیه ای میان شما بذر نفاق بپاشند». دبیر شورای امنیت ملی ترکیه همچنین گفته است: «در حالی که ارمنیان توانسته اند در سال ۳۶۵ بار (!) از طریق کانالهای تلویزیونی خواست خود را به گوش جهانیان برسانند ما ترکها حتی یک بار هم نتوانسته ایم چنین عملی را انجام دهیم، این مسئله بیانگر آن است که ما در قبال این موضوع بسیار بی تفاوت بوده ایم و نیروهای خارجی و بیگانه نیز از مخالفینمان حمایت به عمل می آورند».

از جمله سازمانهای شرکت کننده در نشست کپنهاگ می توان از «گروه کمالیستها» هواداران «حزب اقدام ملی»، و نیز «تشکل ایدئولوژی ملی» که نقش رهبری و هماهنگی گروه های مذهبی را ایفا می کند نام برد.

به نوشته «حریت» بنا به خواست نظامیان باید مباحث و تصمیمات این نشست مخفی نگاه داشته می شد اما حتی قبل از تشکیل این جلسه مردم در رستورانها و کافه ها در مورد آن صحبت می کردند».

## اقدامات جدید (۱؟)

روزنامه «ترکیش دیلی نیوز» چاپ ترکیه به نقل از منابع رسمی این کشور نوشته است: «مقامات کشور تصمیم گرفته اند اقدامات جدیدی را برای بهبود روابط با همسایه شرقی خود یعنی ارمنستان انجام دهند». به نوشته این روزنامه «با این که دو موضوع اساسی یعنی مناقشه قره باغ و مسئله پیگیری شناسائی قتل عام ارمنیان از سوی دولت ارمنستان و ارامنه خارج از این کشور، به عنوان مانع اصلی عدم برقراری رابطه سیاسی از سوی ترکیه مطرح بوده است، اما مقامات کشور اعلام کرده اند با حل یکی از این موانع آماده هستند روابط خود را با ارمنستان بهبود بخشند».

«ترکیش دیلی نیوز» می نویسد: «با این که دولت ارمنستان بی نتیجه سعی دارد به اصطلاح خودشان «قتل عام ارمنیان» را در پارلمانها، مجالس و نهادهای مختلف مورد شناسائی قرار دهند. اما باید گفت که این موضوع نباید در کشورهای دیگر طرح گردد، بلکه تاریخ دانان باید در مورد آن به بحث و جدل بپردازند. این در حقیقت موضع سیاسی حکومت ترکیه است که به خوبی در این باره اعلام موضع کرده است».

به نوشته این روزنامه، «دولت معتقد است نبود روابط سیاسی با ارمنستان منافی برای گسترش روابط با این کشور نیست، چه برای همکاری در عرصه های مختلف زمینه های بسیاری وجود دارد».